

# گزیده فرمانها

موجود در کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران

از محمد اسماعیل زاهدی



بسم الله الرحمن الرحیم



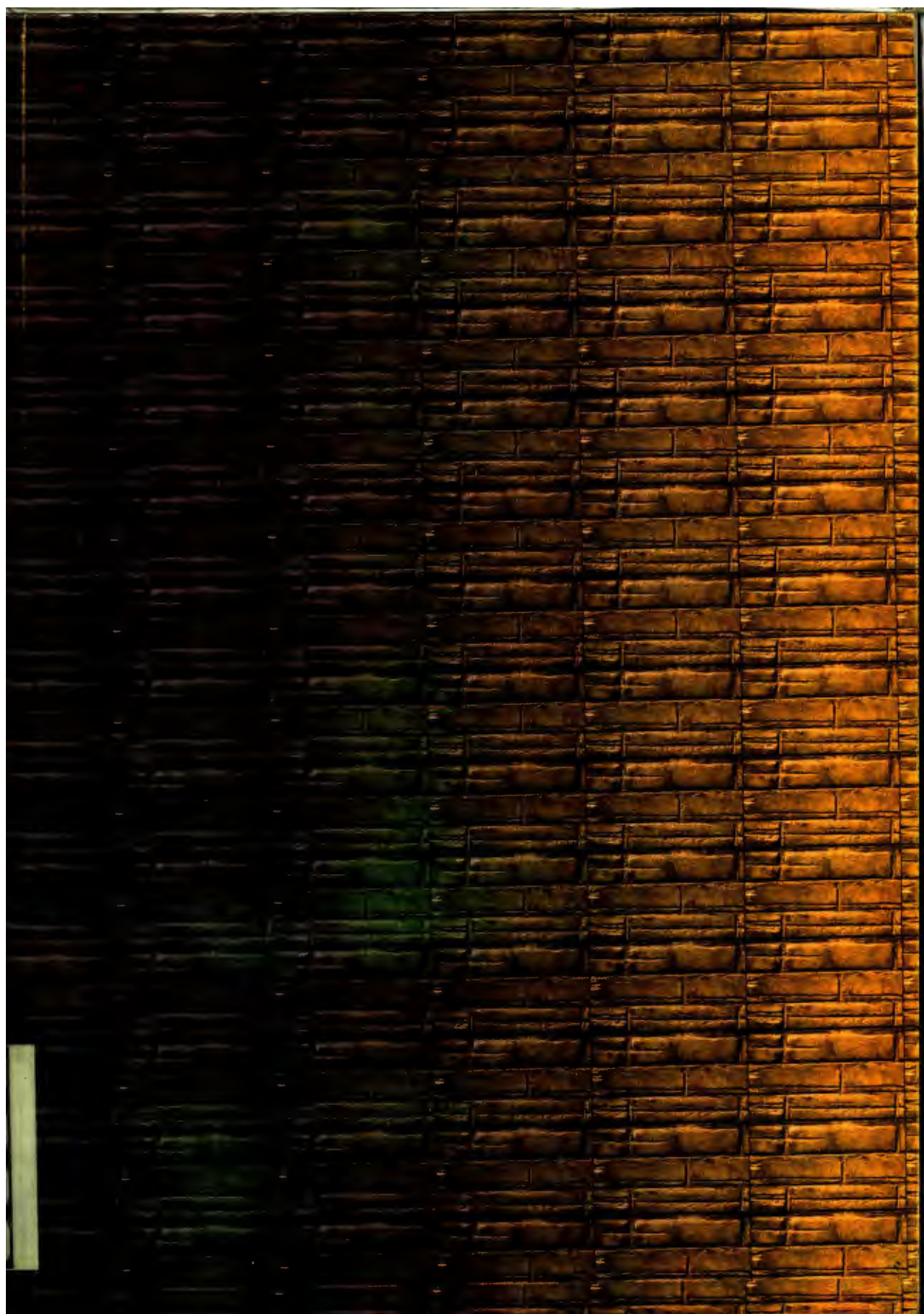
این فرمان در روز دوشنبه پنجم شهریور ماه ۱۳۷۶  
در شهر تهران صادر شد.

نسخه ثبت شده در دفتر اسناد رسمی

مهر و امضاء

کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران

۱۳۷۶



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



اسکن شد

# گزیده فرمانها

(موجود در کتابخانه ملی)

زیر نظر  
دکتر محمد اسماعیل رضوانی

باهتمام  
حوریه سعیدی

با همکاری  
زهرا حدّاد، مینا ودادی

کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران  
تهران: ۱۳۷۵

فهرست نویسی پیش از انتشار کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران

گزیده فرمانها (موجود در کتابخانه ملی) / زیر نظر محمد اسماعیل رضوانی؛ با اهتمام  
حوریه سعیدی، با همکاری زهرا حداد، مینا ودادی؛ با مقدمه عبدالحسین نوائی. - تهران:  
کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۷۵.

۱۲، ۷۶ ص.؛ نمونه.

ISBN 964-446-004-9

بها: ۳۰۰۰ ریال.

فهرست نویسی بر اساس اطلاعات فیفا (فهرست نویسی پیش از انتشار)

A Selection of Decrees Available in

ص.ع. به انگلیسی:

the National Library of Iran.

۱. فرمانها و احکام - ایران. ۲. ایران - تاریخ - قاجاریان، ۱۱۹۳-۱۳۴۴ ق. - اسناد و مدارک.  
۳. ایران - تاریخ - صفویان، ۹۰۷-۱۱۴۸ ق. - اسناد و مدارک. الف. رضوانی، محمد اسماعیل،  
۱۳۰۰-۱۳۷۵، مصحح. ب. سعیدی، حوریه، ۱۳۳۷-، گردآورنده. ج. حداد، زهرا،  
۱۳۴۳-، گردآورنده. د. ودادی، مینا، ۱۳۴۵-، گردآورنده. ه. نوائی،  
عبدالحسین، ۱۳۰۲-، مقدمه نویس. و. کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران.

۹۵۵/۰۷۴۰۷۲۷

گک/۱۳۱۰ DSR

۷۵-۱۰۶۶۷ م



کتابخانه ملی ایران

شابک: ۹۶۴-۴۴۶-۰۰۴-۹

عنوان: گزیده فرمانها (موجود در کتابخانه ملی)

مقدمه: دکتر عبدالحسین نوائی

زیر نظر: دکتر محمد اسماعیل رضوانی

ناشر: کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران

تیراژ: ۲۰۰۰ نسخه

چاپ: اول

لیتوگرافی: میثاق

چاپ: اکباتان

صحافی: مهر داد

تاریخ انتشار: ۱۳۷۵

قیمت: ۳۰۰۰ ریال

## مندرجات

۱. فرمان شاه طهماسب صفوی جهت اضافه مستمری میرزا علی (؟) ۱
۲. فرمان شاه عباس صفوی مبنی بر اعطای مبلغی به عماد امیرزا سلمایا (؟) ۳-۲
۳. فرمان شاه سلیمان صفوی جهت اعطای رتبه حکیم باشی گری به میرزا محمدحسین الموسوی ۵-۴
۴. فرمان شاهرخ میرزا افشار جهت برقراری مواجب به میرزا محمدحسین طیب موسوی ۶
۵. فرمان فتحعلی شاه قاجار جهت اضافه مواجب میرزا محمدرحیم طیب باشی ۷
۶. فرمان فتحعلی شاه قاجار در خصوص رعایت حال میرزا محمدرحیم قدیمی ۸
۷. فرمان فتحعلی شاه قاجار جهت اضافه مواجب میرزا محمدرحیم قدیمی ۹
۸. فرمان حسینعلی میرزا فرمانفرما در خصوص اعطای لقب فخرالدولگی به میرزامحمدرحیم قدیمی ۱۳-۱۰
۹. فرمان حسینعلی میرزا فرمانفرما جهت تخفیف مالیات بلوک کربال ۱۴
۱۰. فرمان فتحعلی شاه در خصوص اعطای قریه منصور آباد به تیول ابدی میرزامحمدرحیم قدیمی ۱۶-۱۵
۱۱. فرمان فتحعلی شاه در خصوص رعایت وقف بعضی املاک و قنات بلوک کربال به ملاعلی نوری ۱۸-۱۷
۱۲. فرمان حسینعلی میرزا فرمانفرما وقف بعضی املاک و قنات بلوک کربال به ملاعلی نوری ۲۱-۱۹
۱۳. فرمان فیروزمیرزا فرمانفرما در خصوص اضافه مواجب میرزامحمدرحیم فخرالدوله ۲۲
۱۴. فرمان محمدشاه قاجار در خصوص وقف بعضی املاک بلوک کربال به حاجی ملباشی ۲۴-۲۳
۱۵. فرمان فریدون میرزا فرمانفرما در خصوص املاک وقفی حاجی بشیر ۲۶-۲۵
۱۶. فرمان فریدون میرزا فرمانفرما در خصوص تیولات و رواتب میرزارحیم فخرالدوله ۲۸-۲۷
۱۷. فرمان فریدون میرزا فرمانفرما در خصوص مواجب میرزارحیم فخرالدوله ۳۰-۲۹
۱۸. فرمان ناصرالدین شاه قاجار در خصوص ارتقای درجه میرزا شفیع خان ۳۱

۱۹. فرمان ناصرالدین شاه قاجار در خصوص اعطای منصب صاحب جمعی به میرزا قاسم خان ۳۲
۲۰. فرمان ناصرالدین شاه قاجار جهت اضافه مواجب محمد قاسم خان صاحب جمع ۳۳
۲۱. فرمان ناصرالدین شاه قاجار در خصوص اعطای منصب سرتیپی و نشان و حمایل به محمد قاسم خان صاحب جمع ۳۴
۲۲. فرمان ناصرالدین شاه قاجار جهت اضافه مواجب محمد قاسم خان صاحب جمع ۳۵
۲۳. فرمان ناصرالدین شاه قاجار در خصوص اعطای نشان همایون به محمد قاسم خان صاحب جمع ۳۷-۳۶
۲۴. فرمان ناصرالدین شاه قاجار جهت اضافه مواجب محمد قاسم خان صاحب جمع ۳۸
۲۵. فرمان ناصرالدین شاه قاجار در خصوص اعطای منصب امیر تومانی و نشان و حمایل به محمد قاسم خان صاحب جمع ۳۹
۲۶. فرمان ناصرالدین شاه قاجار در خصوص اعطای لقب وکیل السلطنه به محمد قاسم خان صاحب جمع ۴۱-۴۰
۲۷. فرمان ناصرالدین شاه قاجار جهت اضافه مواجب محمد حسن خان اعتماد السلطنه ۴۳-۴۲
۲۸. [فرمان ناصرالدین شاه قاجار] در خصوص واگذاری وزارت خالصجات دارالخلافه به محمد قاسم خان صاحب جمع ۴۵-۴۴
۲۹. فرمان مظفرالدین شاه قاجار در خصوص اعطای لقب عز السلطان به محمد قاسم خان صاحب جمع ۴۷-۴۶
۳۰. فرمان مظفرالدین شاه قاجار در خصوص املاک وقفی حاجی بشیر ۵۰-۴۸
۳۱. طغری در خصوص املاک وقفی حاجی بشیر ۵۲-۵۱
۳۲. فرمان مؤیدالدوله در خصوص املاک وقفی حاجی بشیر ۵۴-۵۳
۳۳. فرمان احمد شاه قاجار در خصوص اعطای حکومت ولایات ثلاث به وکیل السلطنه ۵۵
۳۴. فرمان احمد شاه قاجار در خصوص اعطای نشان شیر و خورشید به میرزا حسن خان وثوق الدوله ۵۶
۳۵. تعلیقات ۶۰-۵۷
۳۶. نمایه ۶۲-۶۱
۳۷. نمونه اسناد ۸۶-۶۳

## مقدمه

دوست عزیز در گذشته من، دکتر محمد اسماعیل رضوانی، در واپسین ماههای عمر، بنابر درخواست اولیای محترم کتابخانه ملی، شماری از فرمانها و رقمهای مختلف را خوانده و برای چاپ آماده کرده بود که دست اجل او را در ربود و فرصت نیافت کاری را که آغاز کرده بود به پایان برد و چنین شد که از من خواستند بر این مجموعه مقدمه‌ای بنویسم و چون این مطلب خواست عزیزانی بود که دل به نوید کردن آنان رضا نمی‌داد و نمی‌دهد لاجرم این امر را پذیرفتم و در حقیقت ترک کام خود گرفتم تا برآید کام دوست. خاصه آن که اصل مطلب متعلق به عزیزی بود که با منش لطفها بود و او را به مناسبت نجابت و متانت و فضائلش دوست می‌داشتم و حرمت می‌نهادم. با این همه آرزوی من این بود که کاش او خود در حیات بود و می‌توانست با قلم شیرینش مقدمه‌ای بر این کار خود بنویسد و در آن صورت دیگر نیازی به مقدمه‌نویسی من نبود که خود می‌دانم وصله ناجور است ولی سپاس خدای را که از همان رنگ است.

آنان که در زمینه اسناد مطالعات دارند و تحقیقاتی می‌کنند می‌دانند که خواندن این‌گونه اسناد تا چه اندازه دشوار و وقت‌گیر و حوصله‌طلب است. زیرا این اسناد مربوط به روزگاری هستند که با روزگار ما از لحاظ خط و انشاء و اصطلاح و قلم و شیوه سخت متفاوت بوده است و همین تفاوتها کار خواندن صحیح این اسناد را دشوار می‌سازد، خاصه آن که در آن روزگار کارهای اداری و نوشتن دستورات و فرمانها مانند امروز یکنواخت و یکسان و منضبط و آسان نبود و تحریر یک سند - فارغ از مدلول و منطق آن - خود هنری بود و کاتب هنرمند تحت تأثیر عوامل مختلف از رضایت یا عدم رضایت

ضمیر و درون یا دستور بزرگان یا سلیقه این و آن سند را خوش خط و خوب و منقح می نوشت و گاهی هم شتاب زده و مغلوط و حتی در انتخاب نوع خط نیز ضابطه ای نبود و بسته بود به ذوق و سلیقه کاتب یا منشی که به تفنن یا به دستور فرمان را به خط تعلیق با آن حروف مدور و مستدیر و بهم چسبیده دلربا و گمراه کننده بنویسد یا به خط نسخ با دندانهای مستقیم و خطوط عمودی و افقی راست و دور از هر نوع ظرافت تدویر و استداره یا به نستعلیق با مدهای دل فریب و دوائر دل انگیز، یا شکسته و ریز و زیبا و ظریف و اغلب ناخوانا، کما این که در همین مجموعه خطوط مختلفی دیده می شود و پیداست که خواندن هر یک از این اسناد نیازمند آشنائی چشم به نوع خط و شیوه تحریر و آشنائی ذهن با محتوا و مدلول است و تا این آشنائیها حاصل نشود محال است کسی بتواند سندی کهن را به درستی بخواند و رونویسی کند و مسلماً تا خوب زوایای سند بررسی نشود، ارزش سند مفهوم و اهمیت آن معلوم نخواهد بود. این دشواریهای فراوان است که مانع از رغبت جوانان به بررسی اسناد می شود و دریغ که پیرانی هم که به شوق دریافت مسائل تاریخی بدین اسناد می پرداختند "در پای اجل یکان یکان پست شدند" در حالی که میلیونها سند موجود است و ناخوانده، غیر از میلیونها سندی که در طوفان حوادث و تندباد آشوب و فتن از میان رفته است، و پیداست که اگر این اسناد خوانده شود، نکات مهمی را روشن خواهد کرد و چه بسا که نوع اندیشه ما را در مورد کار گذشتگان و عمل کرد نیاکان تغییر خواهد داد. این نکته بسیار جالب توجه است که قاطبه مردم ایران - غیر از شماری معدود - از تاریخ دور و دراز خود، دیدی محدود و به اصطلاح قالبی و کلیشه ای و خلاصه "پیش ساخته" دارند و در مورد ادوار مختلف تاریخ و اشخاص تاریخی نیز با همین معیارهای ساختگی داوری بلکه پیشداوری می کنند و مثلاً سلسله ای را کلاً بد و شوم و سلسله ای را کلاً خوب و محترم می شمارند در حالی که هر سلسله شامل چند نفر است با اسم و رسم و شیوه و سلیقه و اندیشه مختلف و حوادث مختلف که خاص زمانه آنهاست و نمی توان همه را به یک چوب راند و همه را یکسر خوب دانست یا بد، گویان که اصلاً مفهوم خوبی و بدی نسبی است و چه بسا آنچه را

قومی خوب بدانند در نظر دیگران بد تلقی شود که گفته‌اند "محاسن قوم عند قوم مثالب" و همچنین است داوری ما در مورد اشخاص تاریخی که به بعضی خالصانه مهر می‌ورزیم چون شنیده‌ایم که خوبند و بعضی را قاطعانه دشمن می‌داریم که شنیده‌ایم بدند، و بدون آن که اساساً سندی و مدرکی دال بر قداست کسی یا خیانت دیگری در دست داشته باشیم داوری می‌کنیم آن هم به صورت قاطع و چنان تعصب‌آمیز که گوئی این است و جز این نیست و "حب القلم بما هو کائن".

آن روز که بیهقی می‌گفت "من آنچه نوشته‌ام از مشهودات خود من است یا آنچه از ثقات و مردم مورد اطمینان شنیده‌ام" گذشته است و امروز دیگر مشهودات و مسموعات نیز مورد اعتنا نیست مگر آن که اسناد بر آن مهر تأیید زنند که آدمی از خطا در دید یا خطا در گوش یا خطا در فهم و غرض به دور نیست و تنها اسناد آرشیوی هستند که مطالب و قضایای گذشته را دقیقاً آن طور که بوده و شده به نظر می‌رسانند. چنین است که ما باید تاریخ کشور خودمان را بر اساس اسناد آرشیوی موجود بنویسیم و مسلماً تاریخی که بر اساس این اسناد نوشته می‌شود با تواریخ دیگری که تاکنون مورد استفاده بوده متفاوت خواهد بود. زیرا این اسناد روزگاری برای گردش کارهای جامعه از قبیل انتصاب دولتی و وقف و نکاح و مالیات و عوارض بریعی و شری... یعنی مسائل مبتلا به جامعه نوشته می‌شده و قصد ریا و فریب و جعل و تزویر در آنها نبوده که در باب لزوم صدور آن بحث باشد. و در شناخت صحت و سقم آن تدبیرها به کار رفته و امروز که آن مسائل اداری و آن کارهای دولتی و خصوصی از میان رفته هر سندی تنها حدیثی از یک مطلب تاریخی است چه بسا واقعه‌ای که در کتب تاریخ نیامده زیرا کتاب تاریخ - آن هم کتب مختصری که متناسب با حوصله تنگ ماست - هرگز نمی‌تواند همه وقایع و رخدادها را ضبط کند.

بنابراین ما باید بر اساس این اسناد، فارغ از اظهار نظرهای بیگانگان و مدیحه سرائیها و مذمت‌های چاپلوسان درباری و متملقین دهور و اعصار، تاریخی درست و صحیح از کشور و مردم خود بنویسیم و نشیب و فرازها و پیروزیها و شکست‌ها و بیشیا و کاستیها

همه را صادقانه بنویسیم و حتی در مورد کسانی که جزء بجزء تاریخ ما را شکل بخشیده‌اند، همه چیز را از خوبیها و زشتیها و خدمتها و خیانتها بیاوریم تا جامعه بتواند بخوبی و روشنی دربارهٔ ادوار و شخصیت‌های تاریخی داوری کند که بزرگان گفته‌اند:

عیب می‌جمله بگفتی هنرش نیز بگوی      نفی حکمت مکن از بهر دل عامی چند  
بر این اساس است که ما هر اقدامی را که در بررسی اسناد صورت می‌پذیرد شایسته  
قدردانی می‌دانیم و کار دکتر رضوانی را - که رضوان خدا بر او باد - و نیت و کوشش  
اولیای کتابخانه ملی را بسیار سودمند و پرارزش تلقی می‌کنیم.

شمار اسناد این مجموعه ۳۴ است که ظاهراً در جنب اسناد فراوان موجود، رقم  
سنگینی را نشان نمی‌دهد اما در این مجموعه چند حسن دیده می‌شود:

نخست آن که این اسناد مربوط به ادوار مختلف و سلسله‌های مختلف است.  
قدیمیترین سند به تاریخ ۱۰۰۷ است مربوط به سال یازدهم سلطنت شاه عباس و پس از  
آن سندی از شاهرخ نوۀ نادر، در دورۀ دوم سلطنتش پس از وقفه چهل روزه سلطنت  
سیدمحمد معروف به سلیمان ثانی و بعد اسنادی مربوط به فتحعلی شاه و محمدشاه و  
ناصرالدین شاه و مظفرالدین شاه و بالاخره آخرین سند مربوط به روزگار احمدشاه  
واپسین سلطان قاجار و ازین گذشته در این اسناد، نمونه‌هایی هم از رقمهای شاهزادگان  
بزرگی چون حسینعلی میرزا فرمانفرما و فریدون میرزا فرمانفرما با مهرهای آنان دیده  
می‌شود که این خود بر تنوع مطالب می‌افزاید.

حسن دیگر این مجموعه این است که مضامین آن متفاوت است یعنی هم فرمان  
انتصاب به مقامات دولتی است هم دستور رعایت حقوق افراد هم لزوم احقاق حق مردم  
هم اضافه حقوق و این خود از غنای مندرجات حکایت می‌کند.

درین مجموعه اسناد مربوط به محمدقاسم خان صاحب جمع که از سالهای ۱۳۰۵ تا  
۱۳۱۰ و بعد از آن را حکایت می‌کند، بسیار جالب توجه است. محمد قاسم خان برادر  
علی اصغر خان امین السلطان است که مراتب ترقی را البته به اتکاء پدر موقع شناس و  
فرصت طلب خود میرزا ابراهیم خان آبدار امین السلطان اول و برادر قدرتمند خود

امین‌السلطان میرزا علی‌اصغر خان اتابک پیمود. ظاهراً نخستین سمت وی منصب صاحب‌جمعی بود یعنی ریاست قسمت ساریانان و کالسکه‌رانان و شترداران و قاطرچیان و خلاصه آنچه امروز واحد نقلیه یا اداره امور وسائل موتوری گفته می‌شود با این تفاوت که در آن روزگار "شتر بود نه موتور". امین‌السلطان اول در طول خدمت مشاغل متعددی یافته بود، چون هم دقیق بود هم درست و صادق. یکی از مناصب او همین صاحب‌جمعی بود که به علت اهمیتش از لحاظ ارتباط با شاه و بزرگان و حرمسرا و خواجگان، منصب شاخصی بود و از این رو امین‌السلطان اجرای آن را بر عهده علی‌اصغر خان گذاشته بود و بعد از آن که امین‌السلطان اول مُرد، مشاغلش به امین‌السلطان دوم واگذار شد و می‌دانیم که چندی نگذشت که او وزیر شد، وزیری که اختیاراتش از صدارت هم افزون بود و خلاصه به قول ملک‌آرا از "قاطرداری به ایران‌مداری" کشید، منصب صاحب‌جمعی به محمد قاسم خان واگذار شد و ظاهراً اولین لقب او عزّالسلطان بود که بعد به عزّالسلطنه رسید و از آن نیز گذشت وکیل‌السلطنه شد. در این مجموعه مراتب ترقی سریع او به نظر می‌رسد.

اما حسن آخر آن که این مجموعه مشتمل است بر سند افزایش حقوق اعتمادالسلطنه به میزان چهار هزار تومان در سال که خود بدان فخر می‌کند و اعتمادالسلطنه از پیشوایان محققین و رهروان طریق دانش و بینش و تألیف و تصنیف است و حق بزرگی به گردن دوستاران تاریخ و فرهنگ و ادب ایران دارد و سند فوق نمونه‌ای است از توجه به یک مؤلف ایران دوست بزرگوار و نشانه‌ای از احترام و ارزش دانش در عصر قاجاری.

امیدوارم که خداوند روح مرحوم دکتر رضوانی را با انبیاء و اولیاء محشور دارد و دست‌اندرکاران کتابخانه ملی در راه ارزنده احیای اسناد و روزنامه‌های عصر قاجاری بیش از پیش کامیابی و توفیق یابند و کلیه اسناد موجود در آن کتابخانه را به همین صورت بایسته و شایسته منتشر سازند بمنه و کرمه.

عبدالحسین نوایی



## هو الله تعالى شأنه

[محل مهر] بنده شاه ولایت طهماسب

حکم والا شد. آن که چون حسب التعليقه جناب جلالت مآب اشرف ارفع، صدر الاجل الاکرم الاعظم الافخم، دام اقباله، مقرر است که چون مراتب پریشانی و شکستگی و خانه خرابی عالیجناب مقدس القاب، فضائل و کمالات اکتساب، سیادت و سعادت انتساب، سلاله السادات العظام، میرزا علی، در خاک پای اقدس همایون شاهنشاهی، روحنا فداء، مشهود و معلوم گردید، رعایت جانب مشارالیه لازم، حسب فرمان قضاء جریان، آفتاب لمعان، مبلغ دویست تومان مستمری، مطابق دستورالعمل، یکصد تومان از بابت تخفیفات نوزده هزار و چهارصد تومان ابدی مملکت فارس، در حق عالیجناب مشارالیه برقرار است. نواب والا نیز، امتثالاً لفرمان المبارک، و اطاعة لحکمه از ابتداء هذه السنة توشقان ثیل، خیریت تحویل و مابعدھا، مبلغ دویست تومان مستمری، یکصد تومان تخفیف استمراری را در وجه عالیجناب مشارالیه مستمر و برقرار داشتیم که هر [افتادگی دارد] اشتغال نموده باشند. مقرر آن که عالیجاهان مجدد و نجدت همراهان، مقربواحضرت الوالا، مستوفیان عظام و سررشته داران وظایف حسب المقرر، معمول داشته باشد [افتادگی دارد]

[در حاشیه] هو

ملاحظه شد.

المک لله  
[محل مهر] بنده شاه ولایت  
عباس

فرمان همایون شد. آن که در این وقت، بنا بر عنایت بی‌غایت شاهانه در باره سیادت و نقابت پناه، خلف السادات و الحکماء العظام، امیر نورالدین محمد ولد سیادت و حکمت پناه افادت و افاضت دستگاه، جالینوس الزمانی، مسیح الانفاس، عمادامیرزا سلمایا، حکیم سرکار خاصه شریفه، از ابتداء تنگوزئیل مبلغ ضمنی از بابت مالوجهات و وجوهات مُحال مذکوره من اعمال فارس که به سیور غال مسلمة سیادت پناه مشارالیه مقرر بود، به دستور سابق به سیور غال او شفقت و مرحمت فرموده، ارزانی داشتیم. کدخدایان و رعایا[ی] مُحال مذکوره سیادت و نقابت پناه، مشارالیه را صاحب سیورغال خود دانند، سال به سال، مالوجهات و حقوق دیوانی خود را بلاقصور و انکسار بدو جواب گفته، چیزی موقوف ندارند. در [این باب] قدغن دارند، از فرموده درنگذرند و هر ساله حکم مجدد طلب ندارند و هیچ آفریده از حکام و تیولداران و عمال فارس به خلاف حکم و حساب، مدخل در مُحال مذکوره نکرده، حواله و اطلاقی بر آن مُحال ننمایند و قلم و قدم کوتاه و کشیده دارند و رعایت و مراقبت برزیگران و رعایا[ی] او لازم دانند؛ شکر و شکایت ایشان را مؤثر شناسند و از مخالفت حکم اشرف [خوانده نشد].

[محل امضاء] شهر ربیع الثانی سبع و الف من الهجرة [۱۰۰۷ هـ.ق.]

[حاشیه]

هو

مقرر است که [خوانا نیست] که از جمع اخراج هرگاه مخبران بازدید نموده به موجود عمل نماید بدستور سیورغال سیادت پناه مشارالیه مقرر بوده باشد، مستوفیان عظام دیوان اعلی حسن المسطور دارد.

[محل مهر] بنده شاه ولایت

عباس

مهر دیوان استیفا

بسم الله الرحمن الرحيم

بسم الله

[محل مهر] بنده شاه ولایت

سلیمان

حکم جهان مطاع شد. آن که چون، حضرت حکیم علی الاطلاق، از دارالشفای «وَيَشْفَى صُدُورِ قَوْمٍ مُّؤْمِنِينَ»، شفای امراض امزجه انام را به حذاقت طبیب لیبب مرحمت بی نهایت، نواب همایون ما، منوط ساخته و اسباب رفع اسقام<sup>۱</sup> گرفتاران علل ردیه مفاصد را به قانون خاص به انفاس مسیحی اساس ادیب عاطفت ما، که علامات صحت مزاج عالم از شرح اشارات آن موجزیست حواله فرموده، لاجرم، برحسب مقوله حبیب رب العالمین و طبیت کارخانه «وَمَا هُوَ شِفَاءٌ وَرَحْمَةٌ لِّلْمُؤْمِنِينَ»، که «الْعِلْمُ عِلْمَانِ عِلْمُ الْاَدْيَانِ وَ عِلْمُ الْاَبْدَانِ»، استدامت صحت ابدانی را که ممد و معاون است بر اقامت وظایف اعمال ایمانی، افضل قربات می دانیم و در استیفای نفس نفیس انسانی که عطیه حضرت سبحانی و حاوی کمالات دو جهانی است، نهایت اجتهاد به تقدیم می رسانیم، چه با وجود عدم صحت تن و ضعف قوت بدن، تحصیل کمالات رضیه و تکمیل اخلاق مرضیه، ممکن و میسر نشود و هرگاه به سبب انحراف طبیعت و اختلاف قریحت، ادراک حواس ظاهره از قوت فعلی خود بازماند؛ اصطیاد<sup>۲</sup> وحوش معارف، میسر نگردد. لهذا درین اوان فیروزی نشان که آغاز طلوع نیر جهان تاب دولت بی زوال و اول جلوس میمنت مأنوس بر اورنگ عظمت و اقبال است، شمه ای [از الطاف بیکران خاقانی و شر ذمه ای] از مراحم بی پایان ظل یزدانی، شامل حال سلالة السادات و نجبا العظام، مقرب الخاقانی، میرزا محمدحسین الموسوی گردیده از ابتدای سه ماهه ثیلان ثیل، پایه قدر او را به رتبه خدمت حکیم باشی گری سرکار خاصه شریفه، بلند و

مبلغ سیصد تومان تبریزی موجب سالیانه در وجه او مرحمت فرمودیم، که  
هرساله از سرکار خاصه شریفه وجه موجب خود را بازیافت و صرف معیشت  
خود نموده و چنانکه باید و شاید و از حسن مهارت و حذاقت و کارشناسی او  
آید، به لوازم امر مزبور و خصوصیات آن قیام و اقدام نموده، آثار نیکو  
خدمتی و اهتمام خود را در هر باب بر رأی آفتاب ضیاء، ظاهر سازد.  
مستوفیان عظام کرام دیوان اعلی، رقم اشرف را در دفاتر خلود ثبت و وجه  
موجب مقرب الخاقان مشارالیه را هرساله بموجب قبض او بلاقصور و انکسار  
مهمسازی و چون رقم به مهر مهر آثار مزین گردد، از شوایب تغییر و تبدیل  
مصون و محروس دانسته، هرساله موقوف به رقم مجدد ندارند و در عهده  
شناسند. تحریراً فی شهر

صفر ختم بالخیر والظفر سنه ۱۱۶۳

## المک لله

[محل مهر] آفتاب ملک را گر شد کسوفی چند روز

بار دیگر شد ز نور شاهرخ گیتی فروز ۱۱۶۳

[طغری خوانده نشد] آن که بنا بر ظهور مراحم بیکران شاهانه و وفور مکارم بی پایان خسروانه، در باره فطانت و حذاقت پناه، کمالات دستگاه، سلالة السادات العظام، میرزا محمدحسین طبیب موسوی، از ابتداء هذه السنة یونت ثیل، طبابت دارالشفای سرکار فیض آثار را که به مرحمت پناه، میرزا محمدعلی قزوینی مرجوع بوده، بعد از فوت مومی الیه، کماکان با جیره و مواجبی که در ازاء خدمت مذکور مقرر بود، به میرزا حسین مشارالیه، مرحمت فرمودیم که چنانچه باید و شاید و از مراسم حذاقت قابلیت او سزد، به امر مزبور و ملزومات آن قیام و اقدام نموده، آثار قابلیت و فطانت خود را در معالجه مرضی مسلمین به درجه ظهور رساند و غذا و دوائی که از سرکار فیض آثار، سال به سال در وجه میرزا محمدعلی مقرر بوده، به همان ضابطه برقرار است. مقرر آن که عالیجاه، متولی جلیل الشان و ناظر سُمواالمکان و باقی عمال و مباشرین آن سرکار فیض مدار، سلالة السادات مشارالیه را طبیب بالانفراد دارالشفاء دانسته، مواجب و جیره و غذای مرضی و اخراجات دوا و غیره، به قراری که در وجه میرزامحمدعلی مقرر [بوده]، در باره او نیز بدون تغییر برقرار دارند. مستوفیان عظام کرام دیوان اعلی، شرح رقم اقدس را ثبت نمایند و در عهده شناسند. دوازدهم شهر شعبان المعظم سنه ۱۱۶۳

## العزة لله

[محل مهر] گرفت خانم شاهی ز قدرت ازلی  
قرار در کف شاه زمانه فتحعلی

الملك لله تعالى شأنه حکم همایون شد. که فروزان کوکب سپهر  
خلافت و شهریاری و تابان پرتو مهر سلطنت و جهاننداری، خجسته فرزند  
نامدار، حسین علی میرزا<sup>۳</sup>، فرمانفرمای مملکت فارس، به عواطف خاطر اقدس  
پادشاهی، معزز و مباهی بوده، بداند که بنا بر ظهور کمال عاطفت و مرحمت  
شاهانه، در باره عالیجاه رفیع جایگاه، عزت و سعادت همراه، فخامت و مناعت  
دستگاه، صداقت و ارادت آگاه، مقرب الخاقان، جالینوس الزمانی، میرزا  
محمد رحیم<sup>۴</sup> طبیب باشی، در هذه السنه تنگوزئیل خیریت تحویل و مابعداها،  
مبلغ پنجاه تومان تبریزی نقد و مقدار پنجاه خروار به وزن تبریز جنس، به صیغه  
مدد معاش از بابت مواجب و مدد معاش مرحوم میرزا سید رضی، در وجه او  
عنایت و برقرار فرمودیم، که هر ساله از بابت مالیات دارالعلم شیراز دریافت و  
صرف اخراجات خود ساخته، از روی فراغت مشغول خدمات مرجوعه به خود  
باشد. باید آن خجسته فرزند، به کار گزاران خود قدغن نموده، هر ساله بدون  
کسر و نقصان، مبلغ و مقدار مزبور را، رسانیده مطالبه فرمان مجدد نمایند و  
به خرج مُمضی و محسوب دانند. مقرر آن که عالیجاهان رفیع جایگاهان،  
عزت و مناعت اکتناهان مقربوا الخاقان، مستوفیان عظام دیوان همایون، حسب  
المقرر، عمل، و هر ساله مبلغ و مقدار مزبور را که از بابت مستمری و مواجب  
مرحوم مزبور، به عالیجاه مشارالیه عنایت فرموده‌ایم، به خرج فرزند معزی الیه  
محسوب دارند. عالیجاهان، کتاب خیریت اکتساب دفترخانه مبارکه، شرح  
فرمان مبارک، دفتری و در عهده شناسند. تحریراً فی شهر ذی الحجة الحرام سنه  
۱۲۳۰.

سفارش عالیجاه میرزا رحیم

### العزة لله

[محل مهر] گرفت خانم شاهی ز قدرت ازلی  
قرار در کف شاه زمانه فتحعلی

که فروزان کوکب سپهر خلافت و شهریاری و تابان پرتو مهر سلطنت و جهاننداری، خجسته فرزند مسعود نامدار، حسین علی میرزا فرمانفرمای مملکت فارس، به عواطف خاطر پادشاهی مباحی بوده، بداند که درین وقت، عالیجاه رفیع جایگاه، عزت و فخامت همراه، مجدت و مناعت اکتناه، اخلاص و ارادت آگاه، مقرب الخاقان، میرزا محمد رحیم قدیمی در خدمت همایون عراشر خاص، حاصل نموده که روانه فارس و یک چند در آنجا بوده، نظم امور متعلقه به خود و اقوام نموده، هر هنگام که او را احضار فرمائیم، روانه رکاب مستطاب گردد. از این که مشارالیه از خدمتکاران قدیم و منظور نظر کمال مرحمت و عاطفت اقدس می باشد. ما به فرزند مسعود امر و مقرر می فرمائیم که نهایت التفات نسبت به مشارالیه معمول و در هر باب مراقب احوال او بوده، رعایت جانب و احترام مشارالیه را از هر جهت، منظور بدارد و قدغن نمایند که همه ساله نقد و جنسی که از قرار فرمان جهان مطاع، جداگانه در وجه مشارالیه مقرر گردیده، بدون کسر و نقصان عاید سازند که امر او به وضعی خوب بگذرد. در سال قبل هم که آن فرزند به دربار جهان مدار آمده بود، نسبت به عالیجاه مشارالیه تعارفی معمول نداشته، باید لوازم التفات در هر باب معمول گردد و توجهات خاطر اشرف را در باره خود زیاده از حد دانسته، مستدعیاتی که داشته باشد، عرض و از پیشگاه توجه شاهانه به عز انجاح و شرف اسعاف مقرون داند و در عهده شناسند.

تحریراً فی شهر رجب المرجب ۱۲۳۵

بسم الله تعالى شأنه العزيز

العزة لله

[محل مهر] گرفت خانم شاهی ز قدرت ازلی

قرار در کف شاه زمانه فتحعلی

الملك لله تعالى شأنه حکم همایون شد . که فروزان کوکب آسمان  
خلافت و شهریاری و تابان پرتومهر سلطنت و جهاننداری، خجسته فرزند مسعود  
نامدار حسین علی میرزا، فرمانفرمای مملکت فارس، به عواطف خاطر پادشاهی  
معزز و مباهی بوده، بداند که نظر به شمول کمال عاطفت و ظهور نهایت  
التفات نسبت به عالیجاه رفیع جایگاه، عزت و سعادت همراه، فخامت و مناعت  
اکتناه، اخلاص و ارادت آگاه، عمدة السادات والاعاظم، مقرب الخاقان، میرزا  
محمد رحیم قدیمی، در هذه السنة لوی ثیل خجسته دلیل و مابعدھا، مبلغ  
یکصد تومان تبریزی نقد و مقدار پنجاه خروار به وزن تبریز جنس، به موجب  
تفصیل از بابت مالیات فارس به صیغه مدد معاش، در وجه مشارالیه عنایت  
فرمودیم که هر ساله باز یافت و صرف معاش خود سازد . باید آن فرزندان،  
کار گزاران خود را قدغن نماید که هر ساله نقد و جنس مزبور را تمام و کمال  
رسانیده، به عذری موقوف و معطل ندارند و مطالبه فرمان مجدد ننمایند . مقرر  
آن که عالیجاهان، رفیع جایگاهان، عزت و جلالت دستگاهان، مقربی  
الخابان، مستوفیان عظام دیوان اعلی، هر ساله نقد و جنس مزبور را از بابت  
مالیات شیراز به خرج مجری و شرح فرمان مبارک را در دفاتر خلود، ثبت و از  
شائبه تغییر و تبدیل محروس دانند و در عهده شناسند .

تحریراً فی شهر رجب المرجب ۱۲۳۵

## هو الله تعالى شأنه

[محل مهر] فرمانفرما آن که نظر به کمال رافت و منتهای مرحمت و شفقت، در باره عالیجاه مقرب الخاقان، میرزامحمد رحیم قدیمی، که در شایستگی تکلم و خطاب در مجلس مستطاب از سایر بندگان ممتاز بود از دست خط مبارک به لقب فخرالدولگی و به منصب منادمت خاص، عز اختصاص داده و مبلغ یکهزار تومان مواجب در وجه آن دولتخواه برقرار فرمودیم.

[محل مهر] بلند اختر برج شهی حسینعلی ۱۲۲۹

حکم والا شد. آن که چون از روزی که گوهر فرخنده اختر مظهر قدرت الهی مورد افاضات نامتناهی یگانه پیشگاه صمدیت، مقرب بساط احدیت، طراز مسند شاهی، فض خاتم یدالهی، صاحب سر بیچونی و وارث سریر سلیمانی، مبدع قوانین جهانبانی، مخترع قواعد کشورستانی، فروغ خاندان سلطانی، چراغ دودمان صاحبقرانی، انتخاب مجموعه قضاء و قدر، مقدمه جنود فتح و ظفر، نخبه امتزاج لیالی و ایام، زبده نتایج عناصر و اجرام، طراز هفت اقلیم، برازنده تخت و دیهیم، دریای موج‌انگیز عالم عصاب گوهر بار سپهر، شاهنشاه ستاره سپاه فلک خرگاه، ذل مبسوط الید روحی فداه را از نوازش و «اَنَا آخِرُ تُكَّ»، به خسروی برگزید، و طغرای غرای «اَنَا جَعَلْنَاكَ خَلِيفَةً فِي الْأَرْضِ»<sup>۵</sup> بنام نیکویش کشید. رأی صائب و ضمیر الهام مظاهرش بر آن متعلق افتاد و در ذات این مبین بی‌نهایت، به اخلاق الهی متخلق بوده، همواره افاضه انوار اشتقاق بر ساحت هر کدام از نجبای دانشور و عظمای عقیدت‌گستر صداقت سیاق، که کریمه آیه «مِنْ عِبَادِنَا الْمُخْلَصِينَ» را مصداق باشند، مکنون خاطر خورشید اشراق، و مرکوز ضمیر خدیو انفس و آفاق است. از آنجا که عالیجاه، رفیع جایگاه، عزت و سعادت و اقبال همراه، دولت مجدت و اجلال پیشگاه و فخامت و مناعت و متابعت اکتناه، صداقت و ارادت

و عقیدت آگاه، سلاله دودمان مصطفی و نقاوه خاندان مرتضی، مقرب الخاقان، دولتخواه قدیم و مخلص قویم، میرزا محمدرحیم فخرالدوله، از دولتخواهان بسیجنده و خدمتگزاران برگزیده و به خلوص نیت و صفای عقیدت مفلور و به سبقت خدمت و قدمت عبودیت مشهور و از اجله خسروپرستان و پرتو آفتاب «السَابِقُونَ السَّابِقُونَ أُولَئِكَ الْمُقَرَّبُونَ»<sup>۶</sup> از وجنات احوالش نمایان و در آستانه بیت الشرف این خاندان، به آزادی زاد و دیده حق‌بین به جزایل نعمت این دولت جاوید گشاده و سلسال بندگی و ارادتش به صلصال طیب آمیخته و شمال فرمانبری و اطاعتش از مهب قلب انگیزخته و از عنفوان شباب پرتو آفتاب عنایت شاهنشاه عالم پناه به سراچه اهلیتش تافته، قامت قابلیتش از عهد صبی به ضیای رأفت پناه فلک خرگاه، پرورش یافته، ریشه نیت صدق نیتش، از منبت دل رسته و آب صاف صفای طهر نیتش در شیشه عروق، جای بسته، زر کامل عیار بکوبیدنش در محک امتحان، طلای بیغش سیم بنیانش، به حد منتهای خاص در بوته اخلاص از آتش شوق سیم‌آب‌وش، روزبروز بیشتر و در اطاعت و فرمانبری، دامن جان و جنانش از خیانت و خیانت‌بری و ابا عن جد، به شیوه یکرنگی ستوده و آثار صوفیگری او به این آستان سدره اساس، مانند بدر منیر و مشعشعه مهر عالمگیر ظاهر و هویدا، از این جهت از مقربان حضرت پادشاهی و نزدیکان بساط گردون بساط شاهنشاهی و به مزید عواطف و عنایت ظل الهی سرافراز و مباهی گشته، از امثال و اقران رتبه برتری یافته، از اینکه نشئه ادراک حضور پرنور را آفاده سجود عمر جاودانی دانسته، موافق حکمت سلوک و رفتار، و با شوق بسیار و فراوان روی امید به این آستان نهاده و به این وسیله هم ادای حقوق سابق نواب والا را نماید و هم به تکلیف مفرح غمزدای لقای مسرت بخشا، دفع خفتان ملال و رفع ارجاع طلال و حمیای سودائی که در ایام غیبت از حضور پرنور والا به او رخ داده بود، نموده از آنجا که پیوسته زلال مراحم ازو منتزع، مخافت خاصه سلطنت در مجاری عروق نواب ماجاری

است، نهاد والا در احباب سرّ علیه خاقانی نیز رسم متابعت و شیوه اتفاق است و در ازاء این گونه دولتخواهی که از عالیجاه اقبال پناه معزّی<sup>۱</sup> الیه به ظهور رسید، منظور نظر آفتاب اثر آن است که او را مشمول عاطفتی خاص و در محفل قرب و عزت اختصاص فرمائیم. چون امتیازش من حیث الحسب و النسب، مانند امتیاز بدر منیر از فوج کوکب در هر ظلمت شب است، در این مقام سزاوار چنان است که او را چندان بهره‌مند و در عرصه جهان چنان بلند نمائیم که باعث امیدواری قاطبه امیدواران و جمهور دولتخواهان گردد؛ لهذا از فرط مرحمت قلبی، در هذه السنة لوی ثیل فرخنده دلیل و مابعدها، منصب نبیل ندیم باشی گری سرکار که شایسته شأن اوست، به او محول و مرجوع که به طریق شایان و قاعده خجسته نمایان به لوازم منصب مذکور قیام و اقدام نموده در سفر، سایه مثال، ملتزم رکاب فیروزی مآل و در حضر، پروانه‌وار، از انجمن حضور سعادت دستور و کاخ میمون همایون غافل نگشته، از فیض صحبت اکسیر خاصیت که تعمیرات عظمای مس وجود خود را طلایی دست افشار سازد و مبلغ یکهزار تومان هرساله از نقد وجوه از قرار برات به مهر مهر آثار بازیافت و صرف اخراجات خود کرده، علی‌الدوام در محفل ارم مشاغل حاضر باشد و تا مصباح این دولت جهان افروز و صباح ذی شوکت فیروز، در عرصه گیتی پرتوافکن است، چراغ دیده خود را افروخته و خانه امیدش نور عزت از سراج عنایت اندوخته، از جانب سعادت جوانب ما و نجوم ثواقب آسمان دولت روزافزون، به تعاقب دهور دولتخواه معظم<sup>۲</sup> الیه و اولاد او ندیم هبات و عطیات ما در باره او به تمادی ایام متمادی و به احفاد و اعقابش سهمی از [نامفهوم] برجا، عواید ما برجا، «ثبت الله الدین متوادم بالقول الثابت فی الحیوة الدنیا» عود قامتش به آلالی نامتناهی بلندبالا «أصلها ثابت و فرعها فی السماء»<sup>۳</sup> و دولتخواه معزّی<sup>۴</sup> الیه، اولاد و احفاد اواز سباط سخط و سلب التفات نواب ما و اسباط نواقب فروغ سپهر عظمت سر خط [فرمان] و عفو

جرم پوش ما و فروغ اصل برومند گلزار عظمت شهر آمال ایشان را ضمان  
 مع زمان، سیاست به عمد از خطای او و اولاد و احفادش به غمد و عُمد غضب  
 آتش نهب ما از عالیجاه منعت و اخلافش به آب حلم در انتفاء بوده بعد الیوم  
 تا اشهب دولت ابد فرجام در میدان گیتی حرام است منصب جلیل منادمت بر  
 او و اولادش نسلأ بعد نسل و خلفأ بعد خلف مستدام، بی التفاتی بر همگی  
 ایشان حرام است. تازه نهالان بوستان عظمت و تابنده هلالان آسمان شوکت  
 ازهار بهار شهریاری، انوار بهار تاجداری عبودیت انتخاب نوال لُیوٹ غاب  
 جلال فرزندان نامدار و اسباط کامکار حکم قَدَر قدر را در حق عالیجاه سابق  
 القاب خلفأ بعد خلف، مجری، تغییر و تبدیل را باعث و مواد غضب الهی دانند  
 عالیجاهان رفیع جایگاهان مستوفیان عظام کرام و عالیجنابان کُتاب خیریت  
 اکتساب دفترخانه مبارکه شرح رقم قضاشیم مطاع آفتاب شعاع لازم الاتباع و  
 پروانه قضا و منشور عاطفت را در سرکار ثبت و هر ساله دولخواه  
 مغرئ الیه نمایند و در عهده شناسند.

شهر ذیحجة الحرام سنه ۱۲۳۵

حکم والا شد. آن که چون قریه اتابک، واقعه در بلوک کربال<sup>۸</sup> که اربابی عالیجاه، رفیع جایگاه، عزت و سعادت همراه، فخامت و مناعت اکتناه<sup>۹</sup>، افادت و افاضت پناه، حقایق و معارف آگاه، عمده الفضلاء العظام، سلاله السادات الکرام، طائف بیت الله الحرام، حاجی آقای ملاباشی و جمیع خالصه ابواب جمعی قریه مزبور شده بود و از این که در این سنوات، محصولات آنجا را آفت رسیده و مراعات جانب رعایا و برایای قریه مزبوره، منظور نظر مرحمت اثر والا است؛ لهذا بر حسب استدعای عالیجاه، رفیع جایگاه، عزت و سعادت و اقبال همراه، فخامت و مناعت اکتناه، شہامت و نبالت<sup>۱۰</sup> انتباه<sup>۱۱</sup>، اخلاص و عقیدت آگاه، سلاله السادات العظام، دولتخواه ارادت فرجام، مقرب الخاقان، میرزا محمد رحیم فخرالدوله، در معامله هذه السنة سیچقان ائیل خیریت تحویل و مابعدھا، مبلغ چهارصد و دوازده تومان از متوجهات ابواب جمعی قریه مزبور را مشخص، و مبلغ یکصد تومان که از قرار تفصیل فوق به تخفیف مقرر گردیده است، هرساله به خرج متوجهات ارباب جمعی قریه مزبور ممضی و دیناری علاوه بر مبلغ مزبور به هیچ اسم و رسم مطالبه و بازیافت نشود. مقرر آن که عالیجاهاں رفیع جایگاهاں، عزت و فخامت همراہاں، مستوفیان عظام و عالیجاهاں، اخلاص شأنان، کتاب خیریت اکتساب دفترخانه مبارکہ، شرح رقم مطاع را در دفاتر خلود ثبت و ضبط و از شائبہ تغییر و تبدیل مصون دانند و در عہدہ شناسند. تحریراً فی شهر جمادی الاول سنہ ۱۲۴۴

[سیاق داخل متن]

۶۱۲ تومان: از بابت متوجهات ۶۰۰ تومان از بابت رسم الحساب ۱۲ تومان نقد منہای ۲۰۰ تومان غلہ (۱۰۰ تومان، حسب الامر از هذه السنة ۱۰۰ تومان، الباقی ۴۱۲ تومان

## المک لله

[محل مهر] گرفت خاتم شاهی ز قدرت ازلی  
قرار در کف شاه زمانه فتحعلی

قریه معینه متن به تیول ابدی میرزا محمدرحیم قدیمی عنایت و او را به اختصاص این دست خط همیون سرافراز فرمودیم.

الملک لله تعالی شأنه حکم همایون شد. فروزان کوکب آسمان خلافت و شهریاری، رخشان گوهر عمان سلطنت و تاجداری، فرزند سعادت‌مند کامکار حسینعلی میرزا، فرمانفرمای مملکت فارس و مضافات، به افاضات عنایات ظل اللهی مباهی بوده، بداند که به مقتضای کمال توجه خدیوانه در حق عالیجاه، رفیع جایگاه، فخامت و مناعت همراه، جلالت و نبالت اکتناه، فضائل و کمالات دستگاه، فدوی قدیمی، فخرالدوله میرزا محمدرحیم که از تربیت یافتگان خاص و مقربان با اختصاص انجمن همایون است؛ در معامله هذه السنه سیچقان نیل فرخنده دلیل، قریه منصورآباد واقعه در بلوک رامجرد من اعمال فارس را به تیول و سیورغال ابدی او عنایت فرمودیم که به نسق زراعات و ضبط و ربط محصولات آنجا پرداخته، منافع و مداخل آنرا صرف مخارج خود ساخته به آسایش خاطر و فراغ بال به تقدیم خدمات مرجوعه خود اشتغال نماید. باید آن فرزند مسعود، برحسب مقرر، معمول داشته، به کارگزاران خود قدغن بلیغ نماید که بعد از این از جمیع حوالجات مالیاتی و صادری دیوانی و میان بلوکی، قریه مزبوره را معاف و مسلم دارند و همه ساله مبلغ سی و پنج تومان و پنج هزار دینار نقد و به مقدار یکصد و چهل خروار غله به وزن تبریز، متوجهی دیوانی آنجا را به خرج ابواب جمعی آن قریه، مجری و محسوب دانند و سال به سال حکم مجدد مطالبه ننمایند. عالیجاهان رفیع جایگاهان، عزت و سعادت همراهان، اخلاص و صداقت آگاهان،

مقربوالخاقان، مستوفیان عظام دیوان فلک احتشام، حسب المقرر، عمل نمایند.  
کتاب دفترخانه مبارکه، شرح فرمان همیون را در دفاتر خلود ضبط و از  
شوایب تغییر و تبدیل محفوظ دارند.

محرر بدارالخلافة طهران شهر ذی القعدة سنه ۱۲۴۳

## المک لله

[محل مهر] گرفت خانم شاهی ز قدرت ازلی  
قرار در کف شاه زمانه فتحعلی

که فروزان کوکب آسمان خلافت و شهریاری و رخشان گوهر عمان سلطنت و تاجداری، خجسته فرزند سعادتمند کامکار، حسین علی میرزا فرمانفرمای مملکت فارس، به جلال الطاف و اعطاف خاطر مرحمت اتّصاف شاهانه، قرین مفاخرتی بیکرانه بوده، بدانند که در این وقت از قراری که به عرض اقدس شهریاری رسید؛ مرحوم حاجی بشیر در حین حیات خود بعضی املاک و قنوات دایره و بایره ملکی متصرفی خود را که واقع است در بلوک کُربال و غیره، به موجب تفصیل ذیل

|                                |                                 |                                     |
|--------------------------------|---------------------------------|-------------------------------------|
| مزرعه جدید واقع در بند عضد     | کلانتری واقع در بند میمون       | حاجی آباد واقع در بند خشک           |
| ۶ دانگ                         | ۳ خمس                           | ۶ دانگ                              |
| بشیر آباد واقع در بند خشک      | رشید آباد واقع در بند خشک       | سعادت آباد واقع در بند خشک          |
| ۶ دانگ                         | ۵ دانگ                          | ۵ دانگ و نیم                        |
| همت آباد واقع در بند خشک       | علی آباد واقع در بند خشک        | حسین آباد واقع در بند خشک           |
| ۶ دانگ                         | ۵ دانگ                          | ۵ دانگ و نیم                        |
| حاجی آباد علیا واقع در بند خشک | قنات حاجی آباد واقع در چهار کوه |                                     |
|                                | توابع کربال                     | قنات فخر آباد ایضا واقع در چهار کوه |
| ۵ دانگ                         | ۶ دانگ                          | ۶ دانگ                              |
| قنات محمد آباد زنگی واقع در    | قنات حسین آباد واقع در چهار کوه | قنات شول واقع در چهار کوه           |
| چهار کوه                       |                                 |                                     |
| ۶ دانگ                         | ۶ دانگ                          | ۶ دانگ                              |

به اطلاع و استصواب عالیجناب فضایل و فواضل انتساب، حقایق و دقایق مآب، قدوة المحققین و نخبة العلماء المتألهین ملاعلی نوری<sup>۱۲</sup> وقف نموده و تولیت آن را موافق شرع انور به عالیجناب قدسی آداب، فضایل و فواضل مآب، سیادت و سعادت نصاب، شرایع و محامد اکتساب، عمدة السادات العظام، حاجی آقای ملاباشی محول کرده است. چون جناب قدوة المحققین، ملاعلی از اولیای دولت قاهره، متمنی آن شد که به آن فرزند، حکم همایون صادر شود که به کارگزاران خود قدغن داشته که احدی در املاک مزبوره به خلاف حساب مداخلتی نکرده، ضبط و ربط املاک مزبوره موافق قرار واقف به عمدة السادات العظام مشارالیه که متولی شرعی است، بوده باشد. و نیز متابعت و مطاوعت احکام مطاعه شرع انور، همواره منظور نظر انور و مکنون خاطر سعادت اثر است، این همایون فرمان، به افتخار آن فرزند سعادت‌مند، شرف صدور یافت. مقرر می‌شود که بعد از آگاهی بر مدلول حکم مطاع، املاک مزبوره را منذوراً به تصرف عمدة السادات العظام مشارالیه واگذاشته که متوجه به زراعت و فلاح و آبادانی آنجا شده، مالیات و حقوق دیوانی را بر وفق حساب، مهم سازی مباشرین دیوانی آن فرزند داشته، منافع آنجا را از قرار شروط واقف به مصارف مشروطه برساند. باید آن فرزند حسب المقرر معمول و در این باب قدغن و اهتمام تمام لازم شمارد و تخلف و تجاوز جایز ندارد و در عهده شناسد. تحریراً فی شهر رمضان المبارك سنه ۱۲۴۵.

## [محل مهر] بلند اختر برج شهی حسین علی

حکم والا شد. آن که چون حسب فرمان آفتاب لمعان مطاع  
آفتاب شعاع اعلحضرت قدر قدرت، سکندر سطوت، بهرام صولت، مریخ  
صلابت، مشتری سعادت، دارا درایت، خورشید رأیت، کیوان رفعت، قبله  
عالم و عالمیان، خسرو صاحبقران کشورستان، ظل سبحان، روحنا فداء،  
مورخ به تاریخ شهر رمضان المبارك سنه ۱۲۴۵ به این مضمون شرف صدور  
یافته است که درین وقت از قراری که به عرض اقدس شهریار رسیده،  
مرحوم حاجی بشیر در حین حیات خود، بعضی املاک و قنوات دایره و بایره  
و ملکی متعرض خود را که واقع است در بلوک کربال و غیره، به موجب  
تفضیل ذیل

|                                |                                |                             |
|--------------------------------|--------------------------------|-----------------------------|
| مزرعه جدید واقع در بند عضد     | کلانتری واقع در بند میمون      | حاجی آباد واقع در بند خشک   |
| ۴ دانگ                         | ۳ خمس                          | ۶ دانگ                      |
| بشیر آباد واقع در بند خشک      | رشید آباد واقع در بند خشک      | سعادت آباد واقع در بند خشک  |
| ۶ دانگ                         | ۵ دانگ                         | ۵ دانگ و نیم                |
| همت آباد واقع در بند خشک       | علی آباد واقع در بند خشک       | حسین آباد واقع در بند خشک   |
| ۶ دانگ                         | ۵ دانگ                         | ۵ دانگ و نیم                |
| حاجی آباد علیا واقع در بند خشک | قنات حاجی آباد واقع در چهارکوه | قنات فخر آباد واقع در بیضاء |
| توابع کربال                    |                                |                             |
| ۵ دانگ                         | ۶ دانگ                         | ۶ دانگ                      |
| قنات محمد آباد واقع در چهارکوه | قنات حسین آباد واقع در چهارکوه | قنات شول واقع در چهارکوه    |
| ۶ دانگ                         | ۶ دانگ                         | ۶ دانگ                      |

به اطلاع و استصواب عالیجناب، فضایل و فواضل انتساب، حقایق و دقایق مآب، قدوة المحققین، نخبة العلماء المتألهین ملاعلی نوری وقف نموده و تولیت آن را موافق شرع انور به عالیجناب قدسی آداب، فضایل و فواضل مآب، سیادت و سعادت نصاب، شرایع و محامد اکتساب، عمدة السادات العظام، حاجی آقای ملاباشی محول کرده است، چون جناب قدوة المحققین ملاعلی از اولیای دولت قاهره است، متمنی آن شد که به آن فرزند حکم همایون صادر شود که به کارگزاران خود قدغن داشته که احدی در املاک مزبوره بخلاف حساب مداخله ننموده، ضبط و ربط املاک مزبوره موافق قرار واقف، به عمدة السادات العظام مشارالیه که متولی شرعی است بوده باشد و نیز [مفهوم نیست] مطاوعت احکام مطاع شرع انور، همواره منظور نظر انور و مکنون خاطر سعادت اثر است؛ این همایون فرمان شرف صدور یافته، مقرر می‌شود که بعد از آگاهی بر مدلول حکم مطاع، املاک مزبوره را مبذولاً به تصرف عمدة السادات العظام مشارالیه، وا گذاشته که متوجه زراعت و فلاح و آبادی آنجا شده مالیات و حقوق دیوانی را بر وفق حساب مهم سازی مباشرین دیوانی داشته، منافع آنجاها را از قرار شرط واقف به مصارف مشروطه رساند. لهذا اطاعتاً لامر الاقدس الاشرف الاعلی، از این که وارث شرعی مرحوم حاجی بشیر سرکار اشرف والا می‌باشیم تولیت املاک مزبور را به عالیجناب مشارالیه مفوض فرمودیم که متوجه زراعت و فلاح و آبادی املاک مزبور گردیده مالیات و حقوق دیوانی آنجاها را بر وفق حساب مهم سازی نماید و منافع آنجا را از قرار شرط واقف به مصارف مشروطه رساند. مقرر آن که غره باصره شوکت و جلال و غره ناصیه دولت و اقبال، خجسته فرزند ارجمند کامکار، عضدالدوله، نصرالله میرزا و عالیجاهان رفیع جایگاهان، عزت و سعادت همراهان، ضابطان سایر بلوکات، حسب المقرر معمول، املاک مزبوره را به تصرف

کسان عالیجناب مشارالیه داده باشند و در عهده شناسد . تحریراً فی شهر  
رجب المرجب سنه ۱۲۴۸

حکم والا شد. آن که چون حسب فرمان قضا جریان مطاع آفتاب شعاع خاقان جنت و رضوان مکان، علیین آشیان، طاب ثراه و جعل الجنة مشواه، مورخ به تاریخ شهر رجب المرجب سنه ۱۲۳۵، به این مضمون، شرف صدور یافته است، که نظر به شمول کمال عاطفت و ظهور نهایت التفات نسبت به جناب مقدس القاب عزت و سعادت مآب، فخامت و مناعت آداب، جلالت و نبالت انتساب، فضایل و کمالات نصاب، سلالة السادات العظام، فدوی قدیمی، مقرب الخاقان میرزا محمد رحیم فخرالدوله، در سنه لوی ثیل خجسته دلیل و مابعدها، مبلغ یکصد تومان تبریزی نقد و موازی پنجاه خروار جنس، به موجب تفضیل از بابت مالیات فارس به صیغه مدد معاش در وجه معزی الیه عنایت و مرحمت شده است؛ لهذا، اطاعتاً لامر الاقدس الاعلی، در معامله هذه السنة میمونه قوی ایل فرخنده دلیل و مابعدها، مبلغ و موازی مزبور را کماکان در وجه او برقرار فرمودیم که هرساله از قرار برات، بازیافت و صرف معاش و سرمایه انتعاش خود ساخته، به دعای قوام و دوام دولت ابد فرجام و استقرار شوکت جاوید عزت قاهره قیام و اقدام نماید. مقرر آن که عالیجاهان رفیع جایگاهان، عزت و سعادت همراهان، مستوفیان سرکار و عالیشانان اخلاص نشانان، کتاب خیریت اکتساب دفترخانه مبارکه، شرح رقم مطاع را در دفاتر خلود ثبت و ضبط و از شوایب تغییر و تبدیل مصون دانند و در عهده شناسند تحریراً فی شهر صفر المظفر سنه ۱۲۵۱.

[سیاق بین خطوط]

نقد ۱۰۰ تومان؛ جنس ۵۰ خروار؛ لپه ۴۰ خروار، لویا ۱۰ خروار

بسم الله تعالى شأنه العزيز

المک لله

[محل مهر] شکوه ملک و ملت رونق آیین و دین آمد

محمد شاه غازى صاحب تاج و نگین آمد

المک لله تعالى شأنه حکم همایون شد آن که چون از قرار فرمان  
خاقان جنت مکان، اسکنه الله تعالى فی ریاض الجنان، تولیت مزارع و  
دهات در بلوک کربال و غیره که مرحوم حاجی بشیر وقف کرده است، به  
عالیجناب مقدس القاب، فضایل و کمالات اکتساب، حقایق و دقایق  
انتساب، سلاله السادات و الاطناب، کھف الحاج، حاجی آقای ملاباشی  
است که متوجهات دیوانی را کارسازی دیوانیان نموده، منافع را از قرار  
قرارداد واقف به مصارف برساند، به امضای حکم مزبور در هذه السنه  
تخاقوی ثیل خیریت دلیل و مابعدھا، دهات و مزارع مرقومه مفصله  
کماکان به عالیجناب مشارالیه واگذاشتم که متوجهات دیوانی کارسازی  
نموده منافع را صرف وقف نماید.

حاجی آباد واقعه در بند چکک

۶ دانگ

کلاته واقعه در بند میمون

مزرعه جدید واقعه در بند عضد

۴ دانگ

سعادت آباد واقعه در بند چکک

۵ دانگ

رشید آباد واقعه در بند چکک

۵ دانگ

بشیر آباد واقعه در بند چکک

۶ دانگ

حسین آباد واقعه در بند چکک

۵ دانگ

علی آباد واقعه در بند چکک

۵ دانگ

همت آباد واقعه در بند چکک

۶ دانگ

حاجی آباد واقعه در بند چکک      قنات حاجی آباد واقعه در چهارگود      قنات فخرآباد واقعه در [ناخوانا]  
توابع کربال

۵ دانگ      ۶ دانگ      ۶ دانگ

قنات محمدآباد [ناخوانا] واقعه در      قنات حسین آباد واقعه در [ناخوانا]      قنات نسوان واقعه در چهارگود  
چهارگود کربال

۶ دانگ      ۶ دانگ      ۶ دانگ

قنات خیرآباد واقعه در چهارگود      قنات جمال آباد واقعه در چهارگود      قنات خیار واقعه در [ناخوانا]  
بلوک کربال

۶ دانگ      ۶ دانگ      ۶ دانگ

مقرر آن که نور چشم ارجمند کامکار، برادر فرخنده سیر نامدار، فریدون میرزا<sup>۱۳</sup>، فرمانفرمای مملکت فارس، حسب المقرر، معمول و قدغن نماید، دهات و املاک مزبوره فوق را به عالیجناب مشارالیه واگذارند و مطالبه وجوهات دیوانی را موافق حساب نمایند. عالیجاهان، رفیع جایگاهان، فخامت و مناعت اکتناهان، مجدت و نجدت همراهان، مقربی الخاقان، مستوفیان عظام دیوان اعلی، شرح فرمان مبارک را در دفاتر خلود ثبت نمایند و در عهده شناسند. تحریراً فی شهر صفر المظفر سنه ۱۲۵۳

## هو الله تعالى شأنه [محل مهر] فریدون گوهر دریای شاهی

حکم والا شد . که چون حسب فرمان قضاء جریان آفتاب لمعان، شاهنشاه جمجاه فلک بارگاه، ظل مبسوط حضرت آله، روح العالمین فداء، به امضای فرمان خاقان علیین آشیان، نورالله تعالی مضجعه، املاک وقفی مرحوم حاجی بشیر که در بلوک کربال و غیره می باشد، به تصرف عالیجناب مقدس القاب، فضائل و کمالات اکتساب، حقایق و دقایق انتساب، سلالة السادات و الاطیاب، کھف الحاج، حاجی آقای ملاباشی بوده و تولیت املاک مفصله

|                                  |                                 |                              |
|----------------------------------|---------------------------------|------------------------------|
| مزرعه جدید واقعه در بند عضد      | کلاتری واقعه در بند میمون       | حاجی آباد واقعه در بند خشکک  |
| ۵ دانگ                           | ۳ خمس                           | ۶ دانگ                       |
| مشیرآباد واقعه در بند خشکک       | رشیدآباد واقعه در بند خشکک      | سعادت آباد واقعه در بند خشکک |
| ۶ دانگ                           | ۵ دانگ                          | ۵ دانگ و نیم                 |
| همت آباد واقعه در بند خشکک       | علی آباد واقعه در بند خشکک      | حسین آباد واقعه در بند خشکک  |
| ۶ دانگ                           | ۵ دانگ                          | ۵ دانگ و نیم                 |
| حاجی آباد علیا واقعه در بند خشکک | قنات حاجی آباد واقعه در چهارکوه | قنات فخرآباد واقعه در        |
| ۵ دانگ                           | ۶ دانگ                          | ۶ دانگ                       |
| قنات محمدآباد واقعه در چهارکوه   | قنات حسین آباد واقعه در چهارکوه | قنات شول واقعه در چهارکوه    |
| ۶ دانگ                           | ۶ دانگ                          | ۶ دانگ                       |

به عالیجناب مشارالیه بوده است که متوجهات دیوانی را موافق سررسید دفتری کارسازی از باب حواله دیوان و منافع املاک مزبور را به مصرف موقوف علیه می رساند .

لهذا، امتثالاً لامر الاشرف الاقدس الاعلى، املاك مزبور را کماکان به عالیجناب مشارالیه واگذار فرمودیم که خود متصرف گردیده، اهتمامی در امر زراعت و نظم و نسق دهات و مزارع مزبور به عمل آورده، مالیات دیوانی را موافق سررسید دفتری به ارباب حواله دیوان کارسازی نموده، مداخل و منافع املاك مزبور را حسب الشرع از قرار قرارداد واقف معمول دارد.

مقرر آن که عالیجاهان ضابطان بلوکات کربال و غیره حسب المرقوم، معمول داشته، دهات و مزارع مفصله را به تصرف عالیجناب مشارالیه داده که به امر زراعت دهات مزبور مشغول شود و در عهده شناسند.

تحریراً فی شهر رجب المرجب سنه ۱۲۵۳

## [محل مهر] فریدون گوهر دریای شاهی

حکم والا شد. آن که چون طغرای غرای آفتاب ظهور و منشور مظهر  
پر عطوفت منشور خدیو زمان و شهریار جهان، ایده الله تعالی بنصره، از مصدر  
خلافت و مرزبانی و مظهر سلطنت و گیتی ستانی عزّ حصول و شرف وصول  
یافته است که تیولات و رواتب جناب مجدّت و نجدت انتساب، فطانت و  
فخامت اکتساب، کیاست و مناعت آداب، نخبة السادات العظام و اعزّ دولت  
ابد فرجام، خیرالحاج، فخرالدوله حاجی میرزا رحیم، کما فی السابق بهذا  
التفصیل، مقرر و مستمر باشد

|                                            |                                                        |
|--------------------------------------------|--------------------------------------------------------|
| جنس غله و شلتوک ۲۴۰ خروار                  | ۱۱۸۵ تومان نقد و ۵۰۰۰ دینار                            |
| برقراری هذه السنه بیچی نیل از سرکار اقدس   | مطابق سنوات قبل که در دستورالعمل مستمریات              |
| پادشاهی که به صیغه مقرر و المال اضافه بر   | مملکت فارس از قرار تفصیل برقرار می باشد و کماکان       |
| دستورالعمل مرحمت شده و هر ساله بازیافت     | بدین نقصان بعد از وضع ده یک بازیافت نمایند             |
| نمایدنقد ۱۰۰۰ تومان جنس از بابت علاوه      | نقد ۱۸۵ تومان و ۵۰۰۰ دینار و جنس ۲۴۰ خروار             |
| جمع منصور آباد که مشخص شده است و از        | موجب مستمری از قرار فرامین خاقان معقور                 |
| سرکار به صیغه انعام و مرحمت می شود از بابت | ۱۵۰ تومان نقد جنس ۱۰۰ خروار نقد ۳۵ تومان و ۵۰۰۰        |
| شلتوک ۴۰۴ خروار و ۵۰ من الحال و به         | دینار جنس ۱۴۰ خروار نقد ۱۰۰۰ تومان فرمان نقد ۵۰ تومان، |
| منصور آباد را مجرد                         | جنس ۵۰ خروار فرمان نقد ۱۰۰ تومان جنس ۵۰ خروار، غله ۴۰  |
|                                            | خروار، شلتوک ۱۰ خروار                                  |

باید امتثالاً لامره الاقدس و امضاء لحکمه المطاع و ملاحظه خدمات دیرین  
و ارادت و صداقتی که او را نسبت به این دولت کهن و امین است، مقرر  
می داریم که از سنه بیچی نیل و هذه السنه تخاقوی نیل و مابعدھا، تیولات

مفصله برقرار بوده و از شمول این رحمت و حصول این نعمت، چاکر شاکر گشته و خود را بر طریق بندگی مستقیم و در آستان ارادت مقیم داند و نعمت را جزای خدمت شناسد. مقرر آن که عالیجاهان، صداقت و سعادت پناهان، عمال خجسته اعمال فارس، املاک مرقومه را تیول مشارالیه دانسته و قلم و قدم کوتاه دارند، و در عهده شناسند. ذلک فی رجب المرجب سنه ۱۲۵۳.

[حاشیه]

مقرر آن که چون قبله عالم روح العالمین فداه قریه منصور آباد واقع در بلوک رامجرد را به جناب خیرالحاج، حاجی میرزا رحیم فخرالدوله، به جمع مرقوم در متن به تیول مرحمت فرموده‌اند و ما نیز محض عطف و امضاء عنایت فرموده‌ایم، لهذا مقدار ۷۴ خروار و ۵۰ من علاوه جمع آنجا را به انعام مشارالیه واگذار کردیم و مقرر می‌داریم که ضابط بلوک رامجرد، قلم و قدم، حواله و اطلاق را به هر اسم و رسم کوتاه و کشیده دارد و از كافة صوادر و عوارض، معاف و مسلم داند و در عهده شناسد. ذلک فی تاریخ المتن سنه ۱۲۵۳.

الملك لله تعالى شأنه حکم همایون شد. چون جناب جلالت مآب، فضائل و کمالات آداب، مجدت و نجدت اکتساب، سیادت و سعادت انتساب، سلاله السادات العظام، داعی دولت ابد فرجام، خیرالحاج الکرام، حاجی میرزا رحیم فخرالدوله، از دودمان نجابت و خاندان اصالت است و در عهد خاقان مغفور مبرور، "البسه الله ظلّ النور" از اجله چاکران قدیم و اعیان صداقت و ارادت تصمیم بوده و همیشه منظور نظر عاطفت اثر و مورد التفات بی پایان بوده و پیوسته، مصدر خدمات عمده گشته و مرجع مهمات معظمه گردیده و در این اوقات نیز که شرفیاب بزم ارم نظم حضور همایون ما شد، مراتب دانشمندی و مراسم صداقت و حسن خدمتگزاری و دعاگویی او مشهود رأی جهان آرای شهریاری گردید؛ لهذا در ابتدای هذه السنه بیچی ثیل خیریت تحویل و مابعدها، بموجب تفضیل ذیل، موجب و مستمری و رواتب و تیولاتی که از سرکار خاقان مغفور در وجه جناب معزی الیه مقرر بوده، ما نیز کماکان در وجه او از بابت فارس مرحمت و عنایت فرمودیم که همه ساله بازیافت و صرف معاش خود نموده به لوازم دعاگویی قیام و اقدام نماید. مقرر آن که نور چشم ارجمند کامکار و برادر سعادت‌مند نامدار فریدون میرزا فرمانفرمای مملکت فارس از قراریکه مقرر داشته‌ایم و در طی این فرمان مهر لمعان مرقوم است هرساله موجب و تیول جناب معزی الیه را کارسازی کند که بخرج ابواب جمعی آن نور چشم محسوب و مجری است. المقرر آن که عالیجاهان، رفیع جایگاهان، مجدت و نجدت همراهان، فخامت و مناعت اکتناهان، عزت و جلالت دستگاهان، اخلاص و ارادت آگاهان، مقربى الخاقان، مستوفیان عظام دیوان اعلی، شرح فرمان مبارك را در دفاتر خلود ثبت و ضبط نمایند و از شوایب تغییر و تبدیل مصون و محروس دانند و در عهده شناسند. تحریراً فی شهر ذی الحجة الحرام سنه ۱۲۵۴.

[سياق داخل متن]

نقد ۱۱۸۲ تومان و ۵۰۰۰ دینار

جنس غله، شلتوك ۲۴۰ خروار

نقد ۱۸۵ تومان و ۵۰۰۰ دینار، جنس ۲۴۰ تومان ۱۰۰۰ تومان

نقد ۱۵۰ تومان (۵۰ تومان نقد، ۵۰ خروار جنس)؛ جنس ۱۰۰ خروار اجرت

نقد ۱۰۰ تومان جنس ۵۰ خروار غله ۴۰ خروار، شلتوك ۱۰ خروار؛

نقد ۳۵ تومان و ۵۰۰۰ دینار، جنس ۱۴۰ خروار

## المک لله

[محل مهر] نا که دست ناصرالدین خانم شاهی گرفت  
صیت داد و معدلت از ماه تا ماهی گرفت

چون مراتب قابلیت و شایستگی و کفایت و کاردانی عالیجاه مجدت و نجدت همراه، مقرب الخاقان، میرزاشفیع خان<sup>۱۴</sup>، مستوفی دیوان اعلی، در پیشگاه حضور معدلت دستور همایون، معلوم و مشهود افتاده، در مأموریت آذربایجان، از اهتمامات وافیه و مراقبات کافیه، که در تنقیح محاسبات و انجام خدمات دیوانی به عمل آورده، خاطر فرزند اسعد بی همال، ولیعهد دولت ابداتصال را از خود راضی و خرسند داشته و آن فرزند سعادتمند کامکار، از دربار معدلتمدار همایون، متمنی و خواهشمند آن شده بود، که مشارالیه را به شمول مراحم بیکران، امیدوار و مرتبه استیفای او را که در درجه سیم بود، در درجه دویم مرحمت و برقرار فرمائیم. لهذا، ایجاباً لمستوله، از هذه السنه مسعوده اودئیل سعادت تحویل و مابعدها، او را به منصب جلیل و شغل نبیل درجه دویم استیفاء، مفتخر و سرافراز و بین الاکفاء و الاشباه، عز اختصاص و امتیاز دادیم، که از توجهات عنایات کامله شاهانه، امیدواری حاصل نموده، در خدمات مرجوعه بیش از پیش مساعی جمیله و مراقبات تامه به عمل آورده، مشغول دعاگویی باشد. مقرر آن که عالیجاهان، مقربو الخاقان، مستوفیان عظام و کتبه کرام سعادت فرجام دفترخانه مبارکه، احترامات مشارالیه را به حد حاله، منظور داشته، شرح توقیع رفیع را در دفاتر خلود ثبت و ضبط نموده، در عهده شناسند. تحریراً فی شهر محرم الحرام سنه ۱۲۹۵.

بسم الله تعالى شأنه العزيز  
المك لله تعالى  
[محل مهر] نا که دست ناصرالدین خانم شاهی گرفت  
صبت داد و معدلت از ماه تا ماهی گرفت

الملك لله تعالى شأنه حکم همایون شد. آن که چون توجهات  
بلانهایات ضمیر منیر خورشید تأثیر شاهانه و مقتضیات خاطر مرحت  
تخمیر ملوکانه، پیوسته تربیت و ترقی خانه زادان دولت ابد مدت علیه،  
مایل و متوجه است و مراتب رشد و قابلیت و استعداد و لیاقت مقرب  
الخاقان خانه زاد دولت ابد ارکان، آقا محمدقاسم خان در حضور مهر  
ظهور مبارک به درجه بروز و ظهور رسیده و مستوجب بذل مکارم و عنایات  
خدیوانه گردیده است، لهذا محض تربیت و ترقی مشارالیه به موجب این  
فرمان مهر لمعان مبارک، از اواسط هذالسنة مسعوده یونت ثیل خیریت دلیل،  
مقرب الخاقان مشارالیه را به منصب صاحبجمعی قرین افتخار و اعتبار  
فرموده، انتظام کلیه عمل شترخانه و قاطرخانه سلطنت سنیه را با متعلقات  
آن از هر جهت و هر حیثیت به کف کفایت و عهده اهتمام و کفالت او  
محول و مرجوع فرموده، مقرر می‌داریم که با کمال امیدواری مشغول انتظام  
کلی و جزئی شغل و منصب مزبور بوده، خاطر مبارک را از این رهگذر  
آسوده و مزید نیکنامی و کفایت خود را در خاکپای مبارک حاصل نماید.  
مقرر آن که مقرب الخاقان، مستوفیان عظام، شرح فرمان مبارک را ثبت و  
ضبط کرده و در عهده شناسند. شهر شوال سنه ۱۲۹۹.

## الملک لله تعالی

[محل مهر] تا که دست ناصرالدین خانم شاهی گرفت

صبت داد و معدلت از ماه تا ماهی گرفت

الملک لله تعالی شأنه حکم همایون شد. نظر به استدعای جناب جلالت مآب، قواماً للعز و الاقبال نظاماً للشوكة والاجلال، فدوی نواب جاوید اتصال، امین السلطان<sup>۱۵</sup> وزیر دربار اعظم، مبلغ سیصد و هشتاد و یکتومان و هشت هزار و پانصد و کسری از مواجب جناب معزی الیه را از ابتدای معامله سنیه آتیه قوی ثیل خجسته تحویل و مابعدھا، بدین موجب در حق نتیجه الوزراء العظام، مقرب الخاقان محمد قاسم خان<sup>۱۶</sup> صاحب جمع پسر معزی الیه، مرحمت و برقرار فرمودیم که همه ساله از قرار این منشور قضا دستور، از قرار معمول سابق، اخذ و دریافت کرده، آسوده خاطر به مراسم چاکری و خدمتگزاری قیام و اقدام نماید. مقرر آن که مقربو الخاقان مستوفیان عظام شرح فرمان مبارك را ثبت و ضبط نموده، در عهده شناسند. شهر ربیع الثانی ۱۳۰۰

[خطوط سباق در بین سطر سوم و چهارم]

مواجب ۳۸۱ تومان و ۸۵۳۷ دینار: بدون رسوم ۷۵ تومان و ۶۲۰۰ دینار؛ با رسوم ۳۰۶ تومان و ۲۰۰۰ دینار منهای رسوم ۳۸۱ تومان و ۸۵۳۷ دینار منهای بدون رسوم ۷۵ تومان و ۶۲۰۰ دینار، الباقی ۳۰۶ تومان و ۲۵۰۰ دینار منهای ۲۰۰۰ دینار رسوم ۶۱ تومان و ۲۰۰۰ دینار الباقی ۳۲۰ تومان و ۶۲۰۰ دینار.

بسم الله تعالى شأنه العزيز

المك لله تعالى

[محل مهر] نا که دست ناصرالدین خانم شاهی گرفت

صیت داد و معدلت از ماه نا ماهی گرفت

الملك لله تعالى شأنه حکم همایون شد. آن که چون خداوند بی چون ذات همایون ما را آیه وحدت و سایه نعمت خود قرار داده، آثار ربوبیت آن وجود فایض الجود ما، در ساحت گیتی، ظاهر فرموده، آیات رحمانی را از مکنون رأی بیضاء اشراق، در انفس و آفاق، باهر نموده، "سنریهم ایاتنا فی الافاق و فی انفسهم حتی یتبین [الهم] انه الحق"<sup>۱۷</sup>. بنابراین بر ذمت همت ملوکانه لازم آمد، معتمدالسلطان، نتیجه الوزراء العظام، مقرب دربار سپهر احتشام، محمدقاسم خان صاحب جمع، که از عهد صبی الی یومنا هذا دقیقه[ای] از دقائق خدمت و فدویت را مهمل نگذاشته است؛ او را به منصب جلیل سرتیپی اول و اعطاء نشان و حمایل مخصوص آن، مفتخر و سرافراز فرموده، مقرر می‌داریم که فرزند اسعد امجد نامدار کامکار، نائب السلطنه امیرکبیر<sup>۱۸</sup> و وزیرجنگ مشارالیه را دارای این رتبه و مقام دانسته، قدغن نماید شرایط توقیر و احترام او را مرعی و منظور داشته و کتبه کرام، شرح توقیع رفیع همایونی را ثبت و ضبط نموده، در عهده شناسند. فی شهر صفر المظفر سنه ۱۳۰۵

## الملک لله

[محل مهر] تا که دست ناصرالدین خاتم شاهی گرفت  
صیت داد و معدلت از ماه تا ماهی گرفت

الملک لله تعالی شأنه حکم همایون شد. آن که چون معتمد السلطان، عمدة الامراء العظام، محمد قاسم خان صاحب جمع و پیشخدمت خاصه شریفه، خاطر دریا مقاطر شاهنشاهی را همواره از حسن خدمت و فرط مجاهدت خود، راضی و خوشنود داشته است و وارد شمول مراحم کامله ملوکانه گردیده، مبلغ ششصد و بیست و پنج تومان از محل مواجب کستگرخان مهندس را بر مواجب سابق مشارالیه افزودیم که از سنه آتیه اودئیل سعادت دئیل و مابعدها، اخذ و دریافت نموده، آسوده خاطر به مراسم چاکری و خدمتگزاری پردازد. مقرر آن که مقربوالخاقان مستوفیان عظام و کتبه کرام، شرح فرمان مبارک را ثبت و ضبط نموده، در عهده شناسند. شهر محرم الحرام سنه ۱۳۰۶

[سیاق مابین خطوط]

۸۲۰ تومان و ۶۰۰۰ دینار: اصل از بابت مواجب سابق ۳۲۰ تومان و ۶۰۳۷ دینار (بدون رسوم ۷۵ تومان و ۶۰۳۷ دینار؛ با رسوم ۳۰۶ تومان و ۲۰۰۰ دینار منهای ۴ تومان و ۲۰۰۰ دینار الباقی ۲۴۵ تومان؛ اضافه اودئیل از بابت مواجب کستگرخان ۶۲۵ تومان منهای رسوم تومانی ۲۰۰۰، ۱۲۵ تومان الباقی ۵۰۰ تومان

## الملك لله تعالى

[محل مهر] تا که دست ناصرالدین خانم شاهی گرفت  
صیت داد و معدلت از ماه تا ماهی گرفت

الملك لله تعالى شأنه حکم همایون شد. آن که چون همواره نصب العین خاطر خطیر مرحمت تخمیر اقدس همایون ما، بذل عنایت و مکرمت در ازای صداقت و خدمت است، خاصه در حق چاکرانی که در فدویت و صداقت و ایفای مراسم جان نثاری و خدمت به اسلاف خود اقتدا و به اوصاف آنها اقتفا نموده‌اند و امیر الامراء العظام، فدوی زاده دولت ابد ارتسام، محمد قاسم خان صاحب جمع که از بادی عمر در خدمتگزاری بوده و به هیچ وجه از مراسم خدمت و جان نثاری نیاسوده، سفرأ حضراً، اقتدا به اوصاف اسلاف نموده و مراحل صداقت و غیرت پیموده، مدارج قابلیت و استعداد خود را هویدا ساخته و در این خدمت گُمیت<sup>۱۹</sup> عبودیت را به معارج ارتقا تاخته و در هریک از اسفار، موجبات افتخار و مقتضیات اعتبار خود را در پیشگاه مرحمت دستگاه همایونی آشکار کرده و در ذهاب و ایاب موکب مسعود به فرنگستان، گوی مسابقت از اقران برده است؛ لهذا در هذه السنه اودئیل خیریت تحویل، بر حسب استدعای جناب مستطاب اجل اشرف اکرم امین السلطان وزیراعظم، مشارالیه را به اعطای یک قطعه نشان جلیل الشأن تمثال همایون، مکّلل به الماس که از امتیازات جلیله این دولت جاوید عدت علیه است، مفتخر و سرافراز و بدین موهبت عظمی قرین عز امتیاز فرمودیم که اعزاز نماید و من بعد، ازید مماسبق، بر مراتب خدمتگزاری و جان نثاری بیفزاید؛ مقرر آن که عموم جنابان وزرای عظام و چاکران دربار گردون احتشام امیرالامراء العظام، مشارالیه را به این علامت مکرمت، سرافراز دانسته، قرین اعزاز بدارند. المقرر

مقربوالخاقان مستوفیان عظام، ثبت فرمان را در دفاتر ضبط نموده، در عهده  
شناسند. فی شهر رجب المرجب ۱۳۰۷.

الملك لله تعالى

[محل مهر] تا که دست ناصرالدین خاتم شاهی گرفت  
صیت داد و معدلت از ماه تا ماهی گرفت

الملك لله تعالى شأنه حکم همایون شد. از آنجا که جناب  
امیرالامراء العظام، فدوی خاص دولت جاوید احتشام، محمدقاسم خان  
صاحب جمع، از بدو عمر تا کنون از انوار و آثار مستحسنه مخصوصه ما،  
تربیت یافته و خصایص مطبوعه ما را پیشنهاد خاطر خود ساخته، سرفراً  
حضراً از محاسن خدمات کافی و مجاهدات و افیه خود، خاطر خورشید  
مآثر ملوکانه را قرین رضا و خوشنودی داشته، نظر به ملاحظه خدمات او  
که منظور نظر مرحمت اثر خسروانه است، از هذه السنة میمونه توشقان ثیل  
و مابعدھا، مبلغ پانصد تومان نقد بلارسوم از بابت اضافه جمع هذه السنة  
گمرک آذربایجان، بر مواجب سابق او افزودیم که همه ساله بدین موجب  
اصلاً اضافتاً از محل مزبور، اخذ و دریافت داشته، مرقه الحال به مراسم  
خدمات مرجوعه خود قیام و اقدام نماید. مقرر آن که، مقربوالخاقان  
مستوفیان عظام، شرح این فرمان مبارك را ثبت و ضبط نموده، در عهده  
شناسند. فی شهر رجب المرجب ۱۳۰۸

[در حاشیه] پانصد تومان بعد از وضع رسوم جمع گمرک  
آذربایجان بوده و به اسم نواب جناب صاحب جمع به  
خرج منظور می شود.

## الملک لله تعالی

[محل مهر] تا که دست ناصرالدین خانم شاهی گرفت  
صیت داد و معدلت از ماه تا ماهی گرفت

الملک لله تعالی شأنه حکم همایون شد. آن که چون هر یک از چاکران و خانه زادان دولت ابدبنیان، که در مراسم چاکری و خدمتگزاری، گوی سبقت از همگنان ربوده و دقیقه [ای] از دقایق جانفشانی و خدمتگزاری را مُهمَل و متروک نگذاشته‌اند، فرض ذمه خسروانه است که آنها را به موهبتی خاص، عز اختصاص داده، سرافرازی بخشیم؛ تا اسباب دلگرمی سایر خان‌زادان گردد. علیهذا، نظر به کمال خشنودی و رضامندی خاطر ملوکانه از خدمات صادقانه جناب امیرالامراء العظام، معتمد دربار سپهر احتشام، محمد قاسم خان صاحب جمع، که همواره منظور نظر است، در هذه السنة مسعود لوی ثیل، مشارالیه را به منصب جلیل نبیل امیرتومانی و اعطاء نشان و حمایل مخصوص آن، مفتخر و سرافراز فرموده، مقرر می‌فرمائیم که فرزند خجسته اختر نامدار کامکار نایب السلطنه امیرکبیر و وزیر جنگ مشارالیه را دارای این رتبه و مقام دانسته و مقربوالخاقان، مستوفیان عظام و لشکرنویسان کرام، شرح توقیع رفیع همایونی را در دفتر خلود و دوام، ثبت و ضبط نموده، در عهده شناسند. فی شهر محرم الحرام سنه ۱۳۱۰.

## الملک لله تعالی

[محل مهر] تا که دست ناصرالدین خانم شاهی گرفت

صیت داد و معدلت از ماه تا ماهی گرفت

الملک لله تعالی شانه حکم همایون شد. آن که چون خداوند علام و خلاق انام، ضمیر منیر الهام تأثیر همایون ما را از مدارج خدمت و عبودیت و دولتخواهی هریک از چاکران صداقت ارکان، آگاه و خبیر و نظر عنایت مظهر ملوکانه را از معارج اصالت و نجابت و کاراگاهی آنها دانا و بصیر فرموده، ما نیز به شکرانه این موهبت عظمی و مکرمات حضرت واهب العطايا، همت والا نهمت شاهانه را به بذل مرحمت در حق چاکران خدمتگذار مصروف و نظر عنایت اثر خسروانی را، به ارتفاع رُتبت مخصوصان جان نثار، معطوف داشته‌ایم و جناب محمد قاسم خان عزالسلطان، از بدایت عمر به تربیت مکرمات شاهانه پرورش یافته و همواره در مسلک عبودیت و درستکاری شتافته و در هرگونه خدمات مُعظمه، جوهر کفایت و لیاقت خود را به منصه ظهور رسانده و خاطر دریا مقاطر ما را از صدق عبودیت و دولتخواهی خود، راضی و مسرور داشته و علی التحقیق، مستوجب غایة القصوای مرحمت و عنایات بلانهایات مخصوصه ملوکانه گردیده است؛ لهذا در هذه السنة مسعود اودئیل خیریت دلیل، به تصویب جناب مستطاب اجل اشرف ارفع اکرم، امین السلطان اتابک اعظم، او را به خطاب جلیل و لقب نبیل وکیل السلطنة، که بزرگ‌ترین القاب و محترم‌ترین امتیاز مخصوص دولت است، ملقب و مخاطب و به این مکرمات رفیع، بین الاقران، قرین عز امتیاز و اعتبار فرمودیم که با کمال استظهار و امیدواری بیش از پیش بل به طریق اولی و الیق، در شاه راه دولت ابد مدت، مراتب چاکری را به قدوم فدویت پیموده و گوی مسابقت از همگنان ربوده، جالب

مزید مکرمات و عنایات مخصوصه ملوکانه گردد. مقرر آن که عموم  
چاکران و باریافتگان آستان کیوان نشان از وزرای عظام و ارکان فحام،  
معزی الیه را به این امتیاز و لقب جلیل، ممتاز و محترم شمرده. در عهده  
شناسند شهر ربیع الثانی سنه ۱۳۱۰.



بسم الله تعالى شأنه العزيز

الملك لله تعالى

[محل مهر] تا که دست ناصرالدین خانم شاهی گرفت

صیت داد و معدلت از ماه تا ماهی گرفت

الملك لله تعالى شأنه حکم همایون شد. آن که چون ذات اقدس  
سلطانی، به اخلاق حضرت سبحانی متخلق و خاطر خطیر منیر آثار ربوبیت  
متعلق آمده، نخل وجود مسعود همایون ما که در بوستان شهود سرکشیده،  
برای آسایش خلق بود و چنان رست که نخل نشانِ قَدَر در باغ وجود  
نکاشته و بر آن روی که کلک فطرت نگار قضا بر لوح شهود نگاشته،  
خاطر خطیر انور به رعایت کافه بشر مقهور و در نظر فیض اثر، مراعات  
جانب چاکران با اخلاص منظور، به همین لحاظ بر ذمت همت ملوکانه  
واجب آمد که جناب جلالتمآب، فدوی دولت جاوید انتساب، محمدحسن  
خان اعتمادالسلطنه<sup>۲۰</sup>، وزیر انطباعات و غیره و غیره که از پروردگان  
حضرت و خانه زادان خاص دولت ابد آیت است، در مراسم چاکری و  
خدمتگزاری مورد کمال وثوق و اعتماد و سزاوار بذل هرگونه مرحمت و  
التفات آمده، بارها او را به خدمات مشکله و امورات مهمه آزموده و  
کفالت و کفایت هر امری را که به عهده او مقرر و واگذار فرموده‌ایم،  
رضای خاطر همایون ما را نیکو رعایت کرده تا به وفور اهتمامات کافیه،  
مشمول الطاف شاهانه و عنایت خسروانه افتاد؛ لهذا محض مرحمت، مبلغ  
سه هزار تومان از چهار هزار تومان اضافه تذکره آذربایجان، بر موجب  
سابق معزی الیه افزودیم که از ابتدای سنه آتیه یونت ثیل و مابعدها، اخذ و  
دریافت نموده، آسوده خاطر به مراسم چاکری و خدمتگزاری پردازد. مقرر  
آن که مقربوالخاقان، مستوفیان عظام، شرح توقیع رفیع همایونی را ثبت و

ضبط نموده، در عهده شناسند. شهر شوال المکرم سنه ۱۳۱۰.

[سیاق بین خطوط]

۶۱۸۰ تومان اصل از بابت مواجب سابق که به خرج ولایات نموده ۳۹۷۵ تومان  
منهای رسوم تومانی ۲۰۰۰ دینار ۷۹۵ تومان الباقی ۳۱۸۰ تومان اضافه یونت ثیل از  
بابت اضافه تذکره آذربایجان ۳۷۵۰ تومان منهای رسوم تومانی ۲۰۰۰ دینار ۷۵۰  
تومان الباقی ۳۰۰۰ دینار.

[حاشیه]

اعتماد السلطنه بنا بر خدماتی که در چهل سال به  
صداقت در رکاب ما کرده است استحقاقاً مستحق این  
الطفات و بذل مرحمت بشود. سنه ۱۳۱۰ [۱].

آن که چون همواره آبادی مملکت و ترویج و ترقی فلاح و زراعت و ازدیاد مکن و ثروت طبقات نوکر و رعیت مطمح نظر و پیشنهاد خاطر خطیر معدلت پرور است، خاصه دهات خالصه دارالخلافه که از بی مبالاتی متصدیان سابقه، رو به انهدام و خرابی گذاشته و با این که در مرکز سلطنت و پایتخت مملکت واقع است، انتظام و آبادیش اولویت و اهمیت بر سایر ولایات دارد و اجراء این مقصود مقدس را باید شخص لایق قابل مجرب که نشان تربیت یافته تکفل نماید که در کمال قوت و قدرت بی فوت فرصت، در نهایت اطمینان خاطر، اوقات سریع و صحیح خود را صرف آبادی و انتظام عمل نموده و دقیقه [ای] از دقائق خدمتگزاری و چاکری را مهمل و متروک نگذارد، لهذا به تصویب جناب مستطاب اجل امجد اشرف اکرم افخم، فدوی خاص دولت جاوید محتشم، میرزا علی اصغرخان صدراعظم، از هذه السنه مسعود بیچی ثیل سعادت دلیل و مابعدا، وزرات جلیله خالصه جات دارالخلافه را دوازده ساله، به جناب جلالت مآب امیرالامراء العظام، معتمد دربار سپهر احتشام محمد قاسمخان صاحب جمع امیرتومان، که از هنگام صباوت تا کنون که غایت سن جوانی و وقت قوت کاردانی اوست، سرشت گوهرش تربیت مخصوص همایونی را پذیرفته و درجات امتحان را مجرب شده مقامات افتنان را مهذب آمده تا به وفور اهتمامات کافیه، مشمول الطاف خاطر مهر اتصاف شاهانه آمده است، مرحمت و واگذار فرموده، به صدور این خطاب مستطاب، امر و مقرر می فرمائیم که در نهایت اطمینان خاطر، دوازده ساله خود را، مستقلاً و ارادی خالصجات مزبور داشته، در کمال مداقه و اهتمام مشغول تنقیه قنوات و تعمیر بیوتات و جمع آوری تفرقه دهات گردیده، بیش از پیش حسن کفایت و درایت خود را بمنصه بروز و ظهور آورده و متوجهات دیوانی را نقداً و جنساً در موعد مقرر پرداخته، عمال و ضباط و مباشرین امور

خالصجات از صلاح و صوابدید معزی الیه خارج نشده، اوامر و نواهی او را مطیع و منقاد بوده و جنابان معتمدالسلطان مستوفیان عظام و کتاب سعادت فرجام دفترخانه مبارکه، شرح توقیع رفیع منیع همایونی را در دفاتر خلود و دوام از شایبه تغییر و تبدیل مصون و محروس داشته، حسب المقرر، در عهده شناسند.

تحریراً فی شهر ذی القعدة الحرام ۱۳۱۳

## الملك لله

[محل مهر] دمید کوکب فتح و ظفر بعون الله

گرفت خانم شاهی مظفرالدین شاه

۱۳۱۴

الملك لله تعالى شأنه حکم همایون شد. از آنجا که خاطر آفتاب مظاهر خدیوانه، پیوسته بر رفاه حال قاطبه چاکران قدیم و خانزادان صمیم، که در مقام خدمتگزاری، گوی سبقت را از همگنان ربوده و منهاج صداقت و ارادت را به قدم درستکاری و کفایت پیموده‌اند، می‌باشد؛ و در این موقع که مراسم جان فشانی جناب جلالت‌آب، قواماً للمجد و الاحتشام، فدوی دولت ابد ارتسام، امیرالامراء العظام، اجل محمد قاسم خان صاحب جمع، در پیشگاه حضور معدلت دستور همایونی مشهود افتاد، محض شمول مکرمات، مستوجب مرحمتی مخصوص آمد. به ملاحظه قدمت در خدمت، جناب معزی الیه، که از بدو عمر تاکنون همواره مصدر خدمات مهمه دولتی از ترتیب مهام و رسیدگی محاکمات دیوان بوده و در هر دوره، موجبات رضامندی خاطر ما را از هر جهت فراهم آورده، این اوقات لازم آمد، او را به مرحمتی خاص، قرین عز اختصاص فرمائیم. لهذا از هذه السنة مسعود ایت ائیل خیریت تحویل و مابعدھا، مشارالیه را به لقب نبیل عزالسلطان، مفتخر و حکومت و ریاست فوج سوادکوه را به عهده جناب معزی الیه واگذار فرمودیم؛ که این مرحمت مخصوص را موجب مزید مظاهرت خود دانسته، محاسن خدمتگزاری خود را در حضور مهر ظهور شاهنشاهی ظاهر سازد و در کمال مراقبت و مجاهدت به لوازم جان نثاری پردازد. مقرر آن که جناب مستطاب اجل اشرف اکرم افخم امجد امین السلطان صدراعظم، جناب معزی الیه را دارای این لقب و حکومت دانسته،

قدغن نماید عموم چاکران دربار گردون اقتدار، فراخور احترامش را  
مرعی دارند و جنابان معتمدالسلطان و مستوفیان عظام و کتبه کرام، شرح  
فرمان مبارك را ثبت و ضبط نموده، در عهده شناسند. شهر جمادی الاخر  
۱۳۱۶.

## المک لله

[محل مهر] السلطان بن السلطان

مظفرالدین شاه قاجار

نور چشم فرخنده سیر خجسته اختر کامکار نامدار، ابوالفتح میرزامؤیدالدوله<sup>۲۱</sup>، فرمانفرمای مملکت فارس به مزید الطاف و اشفاق خسروانی مفتخر و مستظهر و مباهی بوده، بداند، که چون جناب سیادت نصاب، آقا میرزا قاسم فخرالاشراف، نوه مرحوم حاجی ملاباشی شیرازی، ولد جناب فخرالدوله، به دربار معدلتمدار عرض و تظلم نمود که مرحوم حاجی بشیر خواجه مرحوم حسینعلی میرزای فرمانفرما، در زمان حیات خود بعضی املاک و قنوات دایره و بایره که واقع در بلوک کربال شیراز است، به اطلاع مرحوم مغفور ملاعلی نوری طاب ثراه، وقف بر تعزیه داری حضرت خامس آل عبا علیه آلاف التحية و الشناء نموده و تولیت آن را به مرحوم حاجی آقای ملاباشی و اولاد لاحقۀ مشارالیه گذاشته و پس از آن مرحوم الی کنون تولیت آنها در ید متولی مزبوره و اولاد او بوده، چندی است که بعضی اشخاص بدون سبب دست اندازی و مداخله در املاک موقوفه نموده و مانع از عمل وقف شده و خسارت کلی وارد آورده و بعضی فرامین و ارقام بشرح ذیل

|                           |                         |                          |                         |
|---------------------------|-------------------------|--------------------------|-------------------------|
| فرمان خاقان خلد آشتیان    | رقم مرحوم حسینعلی میرزا | فرمان مرحوم مغفور شاه    | رقم مرحوم فریدون میرزا  |
| خطاب به مرحوم حسینعلی     | بر طبق فرمان مزبوره و   | غازی نورالله مضجع خطاب   | طاب ثراه به مدلول فرمان |
| میرزای فرمانفرما به امضاء | امضاء عمل وقف سنه       | به مرحوم فریدون میرزای   | مزبور و امضاء عمل وقف   |
| وقف مزبور و تولیت حاجی    | ۱۲۴۸                    | فرمانفرما به مدلول فرمان | و تولیت حاج ملاباشی     |
| ملاباشی سنه ۱۲۴۵          |                         | خاقان مغفور سنه ۱۲۵۳     | سنه ۱۲۵۳                |

در دربار معدلتمدار، ارائه داشت که مدّال و مقوی عمل وقف می‌باشد و مرحوم حسینعلی میرزا صریحاً امضاء موقوفه مزبوره را نموده و آبادانی موقوفات حضرت خامس آل عبا منظور نظر همایونی و به تشکی و خرابی آنها مخالف با رأی جهان آرای ملوکانه است و جناب فخرالاشراف مستدعی صدور ملفوفه فرمانی جدید گردیده که امضاء فرامین سابقه و تأکید در آبادانی و تولیت امور موقوفه بوده باشد. علیهذا به صدور این ملفوفه مألوفه قضا، به آن نورچشم اعز ارجمند کامکار و عموم حکام حال و سبقیای] مملکت فارس امر و مقرر می‌شود که قدغن نمایند کسی در املاک موقوفه ذیل مداخله ننماید.

|                                  |                                 |                                 |
|----------------------------------|---------------------------------|---------------------------------|
| مزرعه واقعه در بند عضد           | کلاتری واقعه در بند میمون       | حاجی آباد واقعه در بند خشگک     |
| ۴ دانگ                           | ۳ خمس                           | ۶ دانگ                          |
| مشیرآباد واقعه در بند خشگک       | رشیدآباد واقعه در بند خشگک      | سعادت آباد واقعه در بند خشگک    |
| ۶ دانگ                           | ۵ دانگ                          | ۵ دانگ و نیم                    |
| همت آباد واقعه در بند خشگک       | علی آباد واقعه در بند خشگک      | حسین آباد واقعه در بند خشگک     |
| ۶ دانگ                           | ۵ دانگ                          | ۵ دانگ و نیم                    |
| حاجی آباد علیا واقعه در چهار کوه | قنات فخرآباد واقعه در [ناخوانا] | قنات محمدآباد واقعه در چهار کوه |
| ۶ دانگ                           | ۶ دانگ                          | ۶ دانگ                          |
| قنات حسین آباد واقعه در چهار کوه | قنات شول واقعه در چهار کوه      |                                 |
| ۶ دانگ                           | ۶ دانگ                          |                                 |

و موقوفات مزبوره را در ید تصرف و تولیت جناب فخرالاشراف دانسته به نحوی تقویت نمایند که مزید آبادانی شده و جهات دیوانی را از عهده

برآمده، بقیه را به مصارف موقوفه حضرت خامس آل عبا علیه آلاف التحية  
و الشنا برسانند. المقرر آن که مقربو الخاقان، معتمد السلطان و مستوفیان  
عظام و کتاب ذوی العز و الاحترام، شرح ملفوفه فرمان جهان مطاع مبارک  
را در دفاتر خلود، ثبت و ضبط نموده، در عهده شناسند. فی شهر ذیعقده  
الحرام ۱۳۱۷.

طغری شهر ذیحجه الحرام، مطابق سنه سیچقاق ثیل خیریت تحویل - جناب مستطاب عماد العلماء الاعلام، حاجی میرزا حسن فخرالدوله به دیوان وزارت عظمیٰ مُتظلم شدند که مرحوم حاجی بشیر، خواجه مرحوم حسین علی میرزا فرمان فرما در حال حیات خود بعضی املاک و مزارع واقع در بلوک گربال شیراز، که ملکی متصرفی او بوده در محضر مرحوم ملاعلی نوری طاب ثراه، وقف بر تعزیه حضرت خامس آل عباء (ع) و خیرات جاریه نموده‌اند و تولیت آنرا با مرحوم حاجی آقای ملاباشی گذاشته که به ترتیب وقفنامه، با طبقات اولاد متولی بوده باشد، و مرحوم حسین علی میرزای فرمان فرما، امضاء وقف تولیت مزبوره را نموده، پس از مرحوم حاجی آقای ملاباشی رتبه تولیت به جناب مستطاب میرزا قاسم فخرالاشراف، دخترزاده مرحوم ملاباشی پسر جناب مشارالیه منتهی شده و سالها است، عمل به وقف نموده‌اند. چندی است که بعضی اشخاص، بدون سبب و سند مداخله، در بعضی مزارع و مُحال وقف نموده‌اند و موجب نقصان و اغتشاش عمل وقف گردیده. اوراق مستندات خود را از فرمان و ارقام به شرح ذیل در دیوان عدالت عظمیٰ ارائه و ابراز داشته، با کمال دقت رسیدگی به عمل آورد.

|                                                    |                                             |
|----------------------------------------------------|---------------------------------------------|
| فرمان خاقان خلد آشیان خطاب به مرحوم حسینعلی میرزا  | رقم مرحوم حسینعلی میرزا بر طبق فرمان مزبوره |
| فرمانفرما به امضاء وقف مزبوره و تولیت حاجی ملاباشی | وامضاء عمل وقف سنه ۱۲۴۵                     |
| سنه ۱۲۴۵                                           |                                             |
| فرمان مرحوم مغفور محمد شاه غازی نورالله مضجع       | رقم مرحوم فریدون میرزا طاب ثراه به مدلول    |
| خطاب به مرحوم فریدون میرزای فرمانفرما              | فرمان مزبور و امضاء و عمل وقف و             |
| مدلول فرمان خاقان مغفور سنه ۱۲۵۷                   | تولیت حاجی ملاباشی سنه ۱۲۵۲                 |

ملفوفه فرمان مهر لمعان همایون خطاب به ایالت حالیه و مستقبله مملکت فارس، صادر گردیده که دست مداخله دیگران را از بعضی مزارع وقف کوتاه نموده، تقویت و

همراهی نمایند که به لوازم مشروط واقف عمل نمایند. چون مستدعی حکمی شوند، لهذا به صدور این حکم صادره از دیوان عدالت عظمی، خدمت سرکار نواب مستطاب اشرف ارفع اسعدوالا، شاهزاده مؤیدالدوله، فرمانفرمای مملکت فارس، دام اقباله زحمتافزا می گردد که به مدلول فرمان خاقان خلد مکان و شاهنشاه غازی نورالله مرقده و سایر ارقام مزبوره و ملفوفه فرمان قضاء جریان همایونی، قدغن فرمایند، دست مداخله بیگانگان را از مزارع و محال موقوفه مشروحه کوتاه نمایند که آسوده خاطر، دعاگو باشند و به لوازم وقف عمل نمایند و شرح محال و مزارع موقوفه را که تفصیل آن در فرمان مبارک و وقف نامه مندرج است، ملاحظه خواهند فرمود و بعد از ارائه، مقرر فرمایند به مدلول احکام، فرامین و ارقام وقف نامه، معمول دارند و به خلاف شرع، احدی مداخله و تصرف در محال و مزارع موقوفه ننموده، متولی در امر خود مستقر و عمل وقف را انجام دهند و تجدید تظلم ننماید. فی شهر فوق مطابق سنه ۱۳۱۷.

## [محل مهر] مؤیدالدوله

حکم والا شد ملاحظه شد. آن که چون از قرار یک طغرا فرمان جهان مطاع مبارک که بر طبق فرامین سلاطین سلف، انارالله براهینهم، شرف صدور یافته و حکم صادره از دیوان عدالت عظمی و احکام حکام با احتشام سابقه مملکت فارس که از نظر والا گذشت، مرحوم حاجی بشیر خواجه مرحمت پناه، حسینعلی میرزای فرمانفرما، طاب ثراه، در حال حیات خود بعضی املاک و مزارع واقعه در بلوک کربال، ملکی اختصاصی خود را، وقف بر تعزیه داران خامس آل عبا علیه آلاف التحية والثناء و خیرات جاریه نموده و تولیت آنرا به مرحوم حاجی آقای ملاباشی واگذار کرده که به ترتیب طبقات اولاد، متولی باشند و مرحمت پناه حسینعلی میرزا امضاء وقف و تولیت را نموده و فعلاً نوبت تولیت با جناب مستطاب شریعتآب عمده الادباء و زبده الشرفاء، آقا میرزا ابوالقاسم فخرالاشراف، سلمه الله تعالی منتهی شده است؛ علیهذا ما نیز به امضاء فرمان مبارک به موجب این رقم مطاع، مقرر می‌داریم که املاک مفصله

|                                 |                                 |                             |
|---------------------------------|---------------------------------|-----------------------------|
| مزرعه جدید واقعه در بند عضد     | کلاتری واقعه در بند میمون       | حاجی آباد واقعه در بند خشک  |
| ۴ دانگ                          | ۳ خمس                           | ۶ دانگ                      |
| بشیرآباد واقعه در بند خشک       | رشیدآباد واقعه در بند خشک       | سعادت آباد واقعه در بند خشک |
| ۶ دانگ                          | ۵ دانگ                          | ۵ دانگ و نیم                |
| همت آباد واقعه در بند خشک       | علی آباد واقعه در بند خشک       | حسین آباد واقعه در بند خشک  |
| ۶ دانگ                          | ۵ دانگ                          | ۵ دانگ و نیم                |
| حاجی آباد علیا واقعه در بند خشک | قنات حاجی آباد واقعه در چهارکوه | قنات فخرآباد واقعه در بیضاء |
| ۵ دانگ                          | ۶ دانگ                          | ۶ دانگ                      |
| قنات محمدآباد واقعه در چهارکوه  | قنات حسین آباد واقعه در چهارکوه | قنات شول واقعه در چهارکوه   |
| ۶ دانگ                          | ۶ دانگ                          | ۶ دانگ                      |

کماکان در تصرف معزی الیه بوده، به لوازم مشروط، واقف عمل نماید،

مقرر آن که عمال و ضباط حال و استقبال بلوک کربال، مرقومه را وقف و تولیت آن را با جناب معزی الیه دانسته، قدغن نمایند احدی مداخله و تصرفی در محال و مزارع موقوفه ننمایند؛ که متولی در امر خود مستقر و عمل وقف را انجام دهند. المقرر جنابان معتمد السلطان، مستوفیان عظام و کتبه کرام، شرح رقم عنبرین شیم مطاع را در دفاتر خود ثبت و ضبط نموده و در عهده شناسند. شهر ربیع الاول ۱۳۱۸.

## المک لله تعالی

[محل مهر] خواست یزدان تا شود آباد ملک از عدل و داد

خانم شاهی به سلطان احمد قاجار داد

چون تکمیل وسایل انتظام و ادامه امنیت در هریک از بلاد و امصار<sup>۲۲</sup> منوط به ارجاع خدمات مهمه مملکتی به عهده اشخاص کاردان با کفایتی است که از هر حیث به مقتضیات وقت و موقع، واقف و از جریان امور و مقررات دولت کاملاً بصیر و مستحضر بوده و امتحانات کافیه از حسن عمل و دولتخواهی داده باشند.

علیهذا در این موقع که برای ترفیه خاطر و تسهیل موجبات آسایش اهالی ولایات ثلاث گلپایگان و خوانسار و کمره، انتخاب حکومت مقتدر کاردانی که به اوضاع آن حدود مطلع و مسبوق باشد، لازم گردیده، به تصویب نواب مستطاب اشرف امجد ارفع اعظم والا، شاهزاده عبدالحسین میرزا، فرمانفرما<sup>۲۳</sup>، رئیس الوزراء و وزیر داخله، جناب جلالت مأب اجل، وکیل السلطنه<sup>۲۴</sup> را که از رجال با احتشام دولت علیه و از تربیت یافتگان عصر جدید است به حکومت آنجا منصوب فرمودیم که اهتمام و مراقبت لازمه را من حیث المجموع در پیشرفت مقاصد دولت و اجرای مقررات مرکز به عمل آورده و رضایت خاطر خطیر ملوکانه را از ایفای وظایف خدمت نسبت به خود جلب و تکمیل نماید.

مقرر آن که جنابان مستطابان علماء اعلام و عموم اعیان و اشراف و کافه اهالی، معزی الیه را به این سمت شناخته و در عهده شناسند. فی شهر ربیع الثانی ۱۳۳۴.

المک لله

[محل مهر] خواست یزدان تا شود ملک از عدل و داد

خاتم شاهی به سلطان احمد قاجار داد

به فضل و عنایت خداوند متعال

ما سلطان احمد شاه قاجار

شاهنشاه کل ممالک ایران

نظر به پاس خدمت و مراتب لیاقت که از سید فیض الله، ندیم الامراء، معلم مدرسه قزاقخانه معروض افتاده، به تصویب جناب اشرف میرزا حسن خان وثوق الدوله<sup>۲۵</sup> رئیس الوزراء و استدعای جناب اعتلاء الملک<sup>۲۶</sup>، کفیل وزارت خارجه، مشارالیه را به اعطای نشان شیر و خورشید از درجه پنجم، قرین افتخار فرمودیم. به تاریخ ۵ برج جدی قوی ثیل یکهزار و سیصد و سی و هشت.

[امضاء]

از طرف قرین الشرف ملوکانه

## تعلیقات

- ۱- بیماریها
- ۲- شکار حیوانات وحشی و گریزپا
- ۳- حسینعلی میرزا فرمانفرما، پسر پنجم فتحعلیشاه. در سال ۱۲۰۳ هـ.ق متولد شد. وی در ۱۲۱۴ هـ.ق با پیشکاری چراغعلی خان نوایی به حکومت فارس منصوب گردید و تا هنگام فوت بر این جایگاه قرار داشت. فرمانفرما در سال ۱۲۵۱ هـ.ق درگذشت.
- ۴- محمدرحیم - میرزا رحیم حکیمباشی ملقب به فخرالدوله، پسر سوم میرزا محمد حکیم باشی بود. در سلطنت کریم خان از اصفهان به شیراز خواسته و طبیب وی گردید. میرزا رحیم پس از تکمیل تحصیلات خود در شیراز به تهران رفته و به دلیل ارتباطی که با عبدالوهاب خان معتمدالدوله - نشاط اصفهانی - داشت به دربار سلطنتی راه یافت و طبیب حرمسرای شاهی و ندیم فتحعلیشاه گردید. وی بیشتر در خدمت فخرالدوله دختر فتحعلیشاه قرار داشت. او پس از چندی (۱۲۴۵ق) به شیراز بازگشته و از اطباء و ندمای حسینعلی میرزا فرمانفرما شد. میرزا محمدرحیم در سال ۱۲۵۸ هـ.ق درگذشت.
- ۵ - آیه ۲۹ سوره بقره.
- ۶- آیات ۹ و ۱۰ سوره واقعه
- ۷- آیه ۲۴ سوره ابراهیم.
- ۸- کُربال منطقه‌ای است از فارس که از دو قسمت کربال بالا و کربال پایین تشکیل شده. نام آن نیز به جهت مجاورت با رود کُره، می‌باشد.
- ۹ - گُنیه، به کنه چیزی رسیدن
- ۱۰- صاحب نجابت بودن - گرامی

۱۱- تنبه، بیداری، دقت

۱۲- ملاعلی نوری - از مشاهیر حکمای قرن سیزدهم، شاگرد اسماعیل خواجویی و آقامحمد بیدآبادی، در دولت فتحعلی شاه قرب تام داشت.

۱۳- فریدون میرزا - پسر پنجم عباس میرزا نایب السلطنه بود. وی در زمان محمدشاه قاجار و در سال ۱۲۵۲ ه.ق به فرمانفرمایی ایالت فارس منصوب گردید و تا ۱۲۵۶ ه.ق در این سمت باقی ماند. فریدون میرزا در سال ۱۲۷۲ ه.ق درگذشت.

۱۴- میرزا شفیع خان - پسر میرزا حسن خان و برادرزاده و داماد حاج میرزا نصراله، مستوفی گرگان، متولد ۱۲۵۴ ه.ق. وی در سالهای ۱۲۹۹ تا ۱۳۰۰ در آذربایجان و در ۱۳۰۱ در خراسان و در ۱۳۰۹ در فارس، پیشکار دارایی بود. میرزا شفیع خان در سال ۱۳۲۶ ه.ق درگذشت.

۱۵- میرزا علی اصغرخان، صاحب جمع - امین الملک - امین السلطان، متولد ۱۲۷۵ ه.ق. وی به علت نفوذ پدرش در دربار قاجار به آنجا راه یافت و بتدریج مناصب متعددی را برعهده گرفت تا این که به مقام صدراعظمی رسید. امین السلطان در همین منصب به هنگام خروج از مجلس شورای ملی در سال ۱۳۲۵ ه.ق. ترور شد.

۱۶- محمدقاسم خان (صاحب جمع - عزالسلطان - وکیل السلطنه، برادر میرزا علی اصغرخان امین السلطان. وی به همراهی برادر دیگرش میرزا اسماعیل خان امین الملک، مهمترین مشاغل را در دربار ناصرالدین شاه برعهده داشت.

محمدقاسم خان در حدود سال ۱۳۲۶ ه.ق درگذشت.

۱۷- آیه ۵۲ سوره فصلت

۱۸- کامران میرزا (نایب السلطنه امیرکبیر) در سال ۱۲۷۲ ه.ق متولد شد. وی فرزند سوم ناصرالدین شاه بود و مناصب وزارت جنگ و رئیس کل

قشون و ضمناً حکومت تهران و برخی دیگر از شهرهای ایران را به عهده داشت. وی در سال ۱۳۰۷ ه.ش درگذشت.

۱۹- اسب کهر

۲۰- محمد حسن خان، صنیع‌الدوله - اعتمادالسلطنه، پسر حاج علیخان مقدم مراغه‌ای حاجب‌الدوله، در سال ۱۲۵۹ ه.ق متولد گردید. وی از سال ۱۲۶۷ که به منصب و کیلی (گروهبانی) رسید و تا پایان عمر، مناصب دولتی متعددی از جمله وزارت انطباعات و مترجم خاصه همایونی را عهده‌دار بود. اعتمادالسلطنه در سال ۱۳۱۳ ه.ق درگذشت.

۲۱- ابوالفتح میرزا - مؤیدالدوله - پسر بزرگ سلطان مراد میرزا حسام‌السلطنه و داماد ناصرالدین شاه؛ وی از سالهای ۱۲۹۸ تا ۱۳۲۵ ه.ق حکمرانی کردستان، زنجان، گیلان و مدتی نیز حکومت خراسان و سپس فارس را برعهده داشت.

مؤیدالدوله در سال ۱۳۳۰ ه.ق درگذشت.

۲۲- جمع مصر به معنای شهرها.

۲۳- عبدالحسین میرزا، نصرت‌الدوله - سالار لشکر - فرمانفرما، پسر دوم فیروزمیرزا نصرت‌الدوله فرمانفرما، در سال ۱۲۷۴ ه.ق متولد گردید. وی مناصب مختلفی از جمله ریاست قشون آذربایجان، حکومت کرمان - حکمرانی کردستان - وزارت جنگ و نیز وزارت دادگستری در اولین کابینه مشروطه را برعهده داشت.

فرمانفرما در سال ۱۳۱۸ ه.ش درگذشت.

۲۴- محمدقاسم خان صاحب جمع.

۲۵- میرزا حسن خان وثوق‌الدوله - حسن وثوق - پسر میرزا ابراهیم خان معتمد که در سال ۱۲۹۰ ه.ق متولد گردید. وی برادر بزرگ احمد قوام (قوام‌السلطنه) بود. خانواده او در دستگاه دولتی و اداری دارای مشاغلی

بودند ولی عمده ترقیات وثوق و منصب صدارت و وزارت وی بعد از مشروطیت اتفاق افتاد. وثوق در سال ۱۳۴۱ ه.ش درگذشت.

۲۶- نصرالله خلعتبری - اعتلاءالملک، پسر میرزا شکرالله نامه نگار که در سال ۱۲۸۸ ه.ق متولد شد. وی از کارمندان وزارت خارجه بود که بعدها به وزارت دارایی و سپس وزیرمختاری افغانستان رسید. خلعتبری در ۱۳۴۱ ه.ش درگذشت.

## نمایه عام

- آذربایجان: ۳۱، ۳۸، ۴۲، ۴۳  
 اتابک (قریه): ۱۴  
 احمد (شاه قاجار): ۵۵، ۵۶  
 اعتلاء الملک: ۴۲، ۴۳  
 اعتماد السلطنه، محمد حسن (خان): ۴۲، ۴۳  
 امیر نورالدین محمد: ۲  
 بشیر (حاجی): ۱۷، ۱۹، ۲۰، ۲۳، ۲۵  
 ۴۸، ۵۱، ۵۳  
 بشیر آباد: ۱۷، ۱۹، ۲۳، ۵۳  
 بیضاء: ۱۹، ۵۳  
 تبریز: ۹، ۱۵  
 جمال آباد (قنات): ۲۴  
 چهارکرة: ۱۷، ۱۹، ۲۴، ۲۵، ۴۹، ۵۳  
 چکک (بند): ۲۳، ۲۴  
 حاجی آباد: ۱۷، ۱۹، ۲۳، ۲۴، ۲۵، ۴۹، ۵۳  
 حاجی آباد (قنات): ۱۷، ۱۹، ۲۴، ۲۵، ۵۳  
 حاجی آباد علیا: ۱۷، ۱۹، ۲۳، ۲۴، ۲۵، ۴۹، ۵۳  
 حسین آباد (قنات): ۱۷، ۱۹، ۲۵، ۴۹، ۵۳  
 حسین علی میرزا: ۱۰، ۱۴، ۱۹، ۴۹  
 خشکک (بند): ۱۷، ۱۹، ۲۵، ۴۹، ۵۳  
 خوانسار: ۵۵  
 خیار (قنات): ۲۴  
 خیر آباد (قنات): ۲۴  
 رامجرد (بلوک): ۱۵، ۲۸  
 رحیم (میرزا): ۸  
 رشید آباد: ۱۷، ۱۹، ۲۳، ۲۵، ۴۹، ۵۳  
 سعادت آباد: ۱۷، ۱۹، ۲۳، ۲۵، ۴۹، ۵۳  
 سوادکوه: ۴۶  
 سید رضی (میرزا): ۷  
 سلیمان (شاه صفوی): ۳  
 شاهرخ (شاه افشار): ۶  
 شفیع خان (میرزا): ۳۱  
 شول (قنات): ۱۷، ۱۹، ۲۵، ۴۹، ۵۳  
 شیراز: ۷، ۹، ۴۸، ۵۱  
 طهران: ۱۶  
 طهماسب (شاه صفوی): ۱  
 طیب باشی، محمدرحیم: ۷  
 طیب موسوی، محمدرحیم: ۶  
 عباس (شاه صفوی): ۲، ۳  
 عضد (بند): ۱۷، ۱۹، ۲۳، ۲۵، ۴۹، ۵۳  
 عضدالدوله: ۲۰  
 علی (میرزا): ۱  
 علی آباد: ۱۷، ۱۹، ۲۳، ۲۵، ۴۹، ۵۳  
 علی اصغر خان (امین السلطان): ۳۳، ۳۶، ۴۰، ۴۴، ۴۶  
 عماد امیرزا سلما یا؟: ۲  
 فارس: ۱، ۲، ۷، ۹، ۱۵، ۱۷، ۲۲، ۲۴، ۲۷، ۲۸، ۲۹، ۴۸، ۴۹، ۵۱، ۵۲، ۵۳  
 فتحعلی (شاه قاجار): ۷، ۸، ۹، ۱۵، ۱۷  
 فخر آباد: ۱۷، ۱۹، ۲۴  
 فخر آباد (قنات): ۲۵، ۴۹، ۵۳  
 فخرالاشراف، میرزا قاسم: ۴۹، ۵۳

- فخرالدوله: ۴۸  
 فخرالدوله، حاجی میرزا حسن: ۵۱  
 فخرالدوله، میرزا محمدرحیم: ۱۱، ۱۴، ۱۵، ۲۲، ۲۷، ۲۸، ۲۹ ← قدیمی، میرزا محمدرحیم  
 فرمانفرما، حسین علی میرزا: ۷، ۸، ۹، ۱۰، ۱۵، ۱۷، ۴۸، ۵۱، ۵۳  
 فرمانفرما، فریدون میرزا: ۲۴، ۲۵، ۲۷، ۲۹، ۴۸، ۵۱  
 فرنگستان: ۳۶  
 فیروز (فرمانفرما): ۲۲  
 فیض الله (سید): ۵۶  
 قدیمی، میرزا محمدرحیم: ۸، ۹، ۱۰ ←  
 فخرالدوله، میرزا محمدرحیم  
 قزوینی، محمدعلی: ۶  
 کامران میرزا (نایب السلطنه): ۳۳، ۳۹  
 کربال: ۱۴، ۱۷، ۱۹، ۲۳-۲۶، ۴۸، ۵۱، ۵۴، ۵۳  
 کستگر (خان): ۳۵  
 کلاته: ۲۳  
 کلانتری: ۱۷، ۱۹، ۲۵، ۴۹، ۵۳  
 کمره: ۵۵  
 گلپایگان: ۵۵  
 محمد (شاه قاجار): ۲۳  
 محمدآباد (قنات): ۲۴، ۲۵، ۴۹، ۵۳  
 محمدآباد زنگی (قنات): ۱۷  
 محمدقاسم خان (عز السلطان) - صاحب جمع: ۳۲، ۳۳، ۳۵، ۳۶، ۳۸، ۳۹، ۴۰، ۴۶، ۴۴  
 مشیرآباد: ۲۵، ۴۹  
 مظفرالدین (شاه قاجار): ۴۶، ۴۸  
 معتمد السلطان: ۳۳  
 ملاباشی (حاجی آقا): ۱۴، ۱۸، ۲۰، ۲۳، ۲۵، ۵۱، ۵۲  
 ملاباشی شیرازی (حاجی): ۴۸  
 منصورآباد: ۲۷  
 منصورآباد (قریه): ۱۵، ۲۸  
 منصورآباد رامجرد: ۲۷  
 الموسوی، میرزا محمدحسین: ۴  
 مؤیدالدوله، ابوالفتح میرزا: ۴۸، ۵۲، ۵۳  
 میمون (بند): ۱۷، ۱۹، ۲۳، ۲۵، ۴۹، ۵۳  
 ناصرالدین (شاه قاجار): ۳۱-۳۹، ۴۰، ۴۲  
 نائب السلطنه امیرکبیر ← کامران میرزا  
 نسوان (قنات): ۲۴  
 نصرالله میرزا: ۲۰  
 نوری، ملاعلی: ۱۸، ۲۰، ۴۸، ۵۱  
 وثوق الدوله، میرزا حسن خان: ۵۶  
 وکیل السلطنه: ۵۵  
 همت آباد: ۱۷، ۱۹، ۲۳، ۲۵، ۴۹، ۵۳

۱۲۸۱۹



و ان من ...

...

...

...

...

...

...

...





الحمد لله رب العالمين  
الحمد لله رب العالمين

[illegible]

بایره و در هر که از آراء عدالت نموده هر که در هر حال از هر حرفی که بگوید که چنانچه بگوید که در هر اسم قدر تعاقب از او را بداند

و فطرت این تمام و لغز ام نعمت را غلبت و فطرت همدردی را بر من منسب نمودند و در تعدادی که در این کتاب

سفرنامه من ملاحظه فرمائید سفرنامه من به بنام ایلان در ظاهر است و در حقیقت ملاحظه فرمائید

[illegible]

معلم ان لکے سے اور وقت نہ ملے  
 علیکم السلام  
 السلام علیکم  
 السلام علیکم



فان كان في شجرة من شجره  
فان كان في شجرة من شجره  
فان كان في شجرة من شجره  
فان كان في شجرة من شجره

فان كان في شجرة من شجره  
فان كان في شجرة من شجره  
فان كان في شجرة من شجره  
فان كان في شجرة من شجره

فان كان في شجرة من شجره  
فان كان في شجرة من شجره  
فان كان في شجرة من شجره  
فان كان في شجرة من شجره

فان كان في شجرة من شجره  
فان كان في شجرة من شجره  
فان كان في شجرة من شجره  
فان كان في شجرة من شجره

فان كان في شجرة من شجره  
فان كان في شجرة من شجره  
فان كان في شجرة من شجره  
فان كان في شجرة من شجره



انہ میں سے انہیں مخلص طبع فاضل جان خودان علی بن

[illegible][illegible]



بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله الذي جعل القرآن الكريم  
مبلغ ما بين يدينا من العلم والهدى

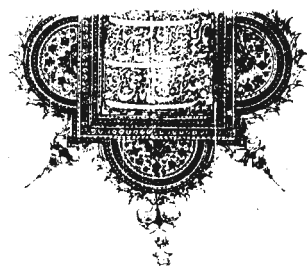
وهدانا لهذا وما كنا لنهتدي لولا أن هدانا الله  
والله ذو الفضل العظيم

سبحانه وبحمده الذي هدانا لهذا  
ما كنا لنهتدي لولا أن هدانا الله

والله ذو الفضل العظيم  
والله اعلم بالصواب

والله اعلم بالصواب  
والله اعلم بالصواب

والله اعلم بالصواب  
والله اعلم بالصواب



بسم الله الرحمن الرحيم

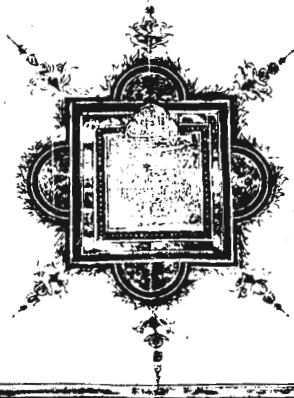
الحمد لله رب العالمين  
والصلاة والسلام على  
سيدنا محمد وآله الطيبين  
الطاهرين

الحمد لله  
والصلاة والسلام  
على سيدنا محمد  
وآله الطيبين  
الطاهرين

این سلطان و پادشاه  
عظیم و بزرگوار  
که در این روزگار  
بسیار از ایشان  
است

سید بن محمد  
که در این روزگار  
بسیار از ایشان  
است  
و در این روزگار  
بسیار از ایشان  
است

جابر بن محمد  
که در این روزگار  
بسیار از ایشان  
است



بسم الله الرحمن الرحيم  
الحمد لله رب العالمين

الحمد لله رب العالمين  
الحمد لله رب العالمين

الحمد لله رب العالمين  
الحمد لله رب العالمين

الحمد لله رب العالمين  
الحمد لله رب العالمين

الحمد لله رب العالمين  
الحمد لله رب العالمين

الحمد لله رب العالمين  
الحمد لله رب العالمين



حضرت مولانا درویش علی صاحب  
الہیاء صاحب اعلیٰ مقامات عالیہ  
رہسے جو ۱۸۰۰

۱۰۰  
 ۱۰۱  
 ۱۰۲  
 ۱۰۳  
 ۱۰۴  
 ۱۰۵  
 ۱۰۶  
 ۱۰۷  
 ۱۰۸  
 ۱۰۹  
 ۱۱۰  
 ۱۱۱  
 ۱۱۲  
 ۱۱۳  
 ۱۱۴  
 ۱۱۵  
 ۱۱۶  
 ۱۱۷  
 ۱۱۸  
 ۱۱۹  
 ۱۲۰  
 ۱۲۱  
 ۱۲۲  
 ۱۲۳  
 ۱۲۴  
 ۱۲۵  
 ۱۲۶  
 ۱۲۷  
 ۱۲۸  
 ۱۲۹  
 ۱۳۰  
 ۱۳۱  
 ۱۳۲  
 ۱۳۳  
 ۱۳۴  
 ۱۳۵  
 ۱۳۶  
 ۱۳۷  
 ۱۳۸  
 ۱۳۹  
 ۱۴۰  
 ۱۴۱  
 ۱۴۲  
 ۱۴۳  
 ۱۴۴  
 ۱۴۵  
 ۱۴۶  
 ۱۴۷  
 ۱۴۸  
 ۱۴۹  
 ۱۵۰  
 ۱۵۱  
 ۱۵۲  
 ۱۵۳  
 ۱۵۴  
 ۱۵۵  
 ۱۵۶  
 ۱۵۷  
 ۱۵۸  
 ۱۵۹  
 ۱۶۰  
 ۱۶۱  
 ۱۶۲  
 ۱۶۳  
 ۱۶۴  
 ۱۶۵  
 ۱۶۶  
 ۱۶۷  
 ۱۶۸  
 ۱۶۹  
 ۱۷۰  
 ۱۷۱  
 ۱۷۲  
 ۱۷۳  
 ۱۷۴  
 ۱۷۵  
 ۱۷۶  
 ۱۷۷  
 ۱۷۸  
 ۱۷۹  
 ۱۸۰  
 ۱۸۱  
 ۱۸۲  
 ۱۸۳  
 ۱۸۴  
 ۱۸۵  
 ۱۸۶  
 ۱۸۷  
 ۱۸۸  
 ۱۸۹  
 ۱۹۰  
 ۱۹۱  
 ۱۹۲  
 ۱۹۳  
 ۱۹۴  
 ۱۹۵  
 ۱۹۶  
 ۱۹۷  
 ۱۹۸  
 ۱۹۹  
 ۲۰۰  
 ۲۰۱  
 ۲۰۲  
 ۲۰۳  
 ۲۰۴  
 ۲۰۵  
 ۲۰۶  
 ۲۰۷  
 ۲۰۸  
 ۲۰۹  
 ۲۱۰  
 ۲۱۱  
 ۲۱۲  
 ۲۱۳  
 ۲۱۴  
 ۲۱۵  
 ۲۱۶  
 ۲۱۷  
 ۲۱۸  
 ۲۱۹  
 ۲۲۰  
 ۲۲۱  
 ۲۲۲  
 ۲۲۳  
 ۲۲۴  
 ۲۲۵  
 ۲۲۶  
 ۲۲۷  
 ۲۲۸  
 ۲۲۹  
 ۲۳۰  
 ۲۳۱  
 ۲۳۲  
 ۲۳۳  
 ۲۳۴  
 ۲۳۵  
 ۲۳۶  
 ۲۳۷  
 ۲۳۸  
 ۲۳۹  
 ۲۴۰  
 ۲۴۱  
 ۲۴۲  
 ۲۴۳  
 ۲۴۴  
 ۲۴۵  
 ۲۴۶  
 ۲۴۷  
 ۲۴۸  
 ۲۴۹  
 ۲۵۰  
 ۲۵۱  
 ۲۵۲  
 ۲۵۳  
 ۲۵۴  
 ۲۵۵  
 ۲۵۶  
 ۲۵۷  
 ۲۵۸  
 ۲۵۹  
 ۲۶۰  
 ۲۶۱  
 ۲۶۲  
 ۲۶۳  
 ۲۶۴  
 ۲۶۵  
 ۲۶۶  
 ۲۶۷  
 ۲۶۸  
 ۲۶۹  
 ۲۷۰  
 ۲۷۱  
 ۲۷۲  
 ۲۷۳  
 ۲۷۴  
 ۲۷۵  
 ۲۷۶  
 ۲۷۷  
 ۲۷۸  
 ۲۷۹  
 ۲۸۰  
 ۲۸۱  
 ۲۸۲  
 ۲۸۳  
 ۲۸۴  
 ۲۸۵  
 ۲۸۶  
 ۲۸۷  
 ۲۸۸  
 ۲۸۹  
 ۲۹۰  
 ۲۹۱  
 ۲۹۲  
 ۲۹۳  
 ۲۹۴  
 ۲۹۵  
 ۲۹۶  
 ۲۹۷  
 ۲۹۸  
 ۲۹۹  
 ۳۰۰  
 ۳۰۱  
 ۳۰۲  
 ۳۰۳  
 ۳۰۴  
 ۳۰۵  
 ۳۰۶  
 ۳۰۷  
 ۳۰۸  
 ۳۰۹  
 ۳۱۰  
 ۳۱۱  
 ۳۱۲  
 ۳۱۳  
 ۳۱۴  
 ۳۱۵  
 ۳۱۶  
 ۳۱۷  
 ۳۱۸  
 ۳۱۹  
 ۳۲۰  
 ۳۲۱  
 ۳۲۲  
 ۳۲۳  
 ۳۲۴  
 ۳۲۵  
 ۳۲۶  
 ۳۲۷  
 ۳۲۸  
 ۳۲۹  
 ۳۳۰  
 ۳۳۱  
 ۳۳۲  
 ۳۳۳  
 ۳۳۴  
 ۳۳۵  
 ۳۳۶  
 ۳۳۷  
 ۳۳۸  
 ۳۳۹  
 ۳۴۰  
 ۳۴۱  
 ۳۴۲  
 ۳۴۳  
 ۳۴۴  
 ۳۴۵  
 ۳۴۶  
 ۳۴۷  
 ۳۴۸  
 ۳۴۹  
 ۳۵۰  
 ۳۵۱  
 ۳۵۲  
 ۳۵۳  
 ۳۵۴  
 ۳۵۵  
 ۳۵۶  
 ۳۵۷  
 ۳۵۸  
 ۳۵۹  
 ۳۶۰  
 ۳۶۱  
 ۳۶۲  
 ۳۶۳  
 ۳۶۴  
 ۳۶۵  
 ۳۶۶  
 ۳۶۷  
 ۳۶۸  
 ۳۶۹  
 ۳۷۰  
 ۳۷۱  
 ۳۷۲  
 ۳۷۳  
 ۳۷۴  
 ۳۷۵  
 ۳۷۶  
 ۳۷۷  
 ۳۷۸  
 ۳۷۹  
 ۳۸۰  
 ۳۸۱  
 ۳۸۲  
 ۳۸۳  
 ۳۸۴  
 ۳۸۵  
 ۳۸۶  
 ۳۸۷  
 ۳۸۸  
 ۳۸۹  
 ۳۹۰  
 ۳۹۱  
 ۳۹۲  
 ۳۹۳  
 ۳۹۴  
 ۳۹۵  
 ۳۹۶  
 ۳۹۷  
 ۳۹۸  
 ۳۹۹  
 ۴۰۰  
 ۴۰۱  
 ۴۰۲  
 ۴۰۳  
 ۴۰۴  
 ۴۰۵  
 ۴۰۶  
 ۴۰۷  
 ۴۰۸  
 ۴۰۹  
 ۴۱۰  
 ۴۱۱  
 ۴۱۲  
 ۴۱۳  
 ۴۱۴  
 ۴۱۵  
 ۴۱۶  
 ۴۱۷  
 ۴۱۸  
 ۴۱۹  
 ۴۲۰  
 ۴۲۱  
 ۴۲۲  
 ۴۲۳  
 ۴۲۴  
 ۴۲۵  
 ۴۲۶  
 ۴۲۷  
 ۴۲۸  
 ۴۲۹  
 ۴۳۰  
 ۴۳۱  
 ۴۳۲  
 ۴۳۳  
 ۴۳۴  
 ۴۳۵  
 ۴۳۶  
 ۴۳۷  
 ۴۳۸  
 ۴۳۹  
 ۴۴۰  
 ۴۴۱  
 ۴۴۲  
 ۴۴۳  
 ۴۴۴  
 ۴۴۵  
 ۴۴۶  
 ۴۴۷  
 ۴۴۸  
 ۴۴۹  
 ۴۵۰  
 ۴۵۱  
 ۴۵۲  
 ۴۵۳  
 ۴۵۴  
 ۴۵۵  
 ۴۵۶  
 ۴۵۷  
 ۴۵۸  
 ۴۵۹  
 ۴۶۰  
 ۴۶۱  
 ۴۶۲  
 ۴۶۳  
 ۴۶۴  
 ۴۶۵  
 ۴۶۶  
 ۴۶۷  
 ۴۶۸  
 ۴۶۹  
 ۴۷۰  
 ۴۷۱

فہرست

مرد بساطت و سادگی را میسر است و همان سرچشمه و سرچشمه

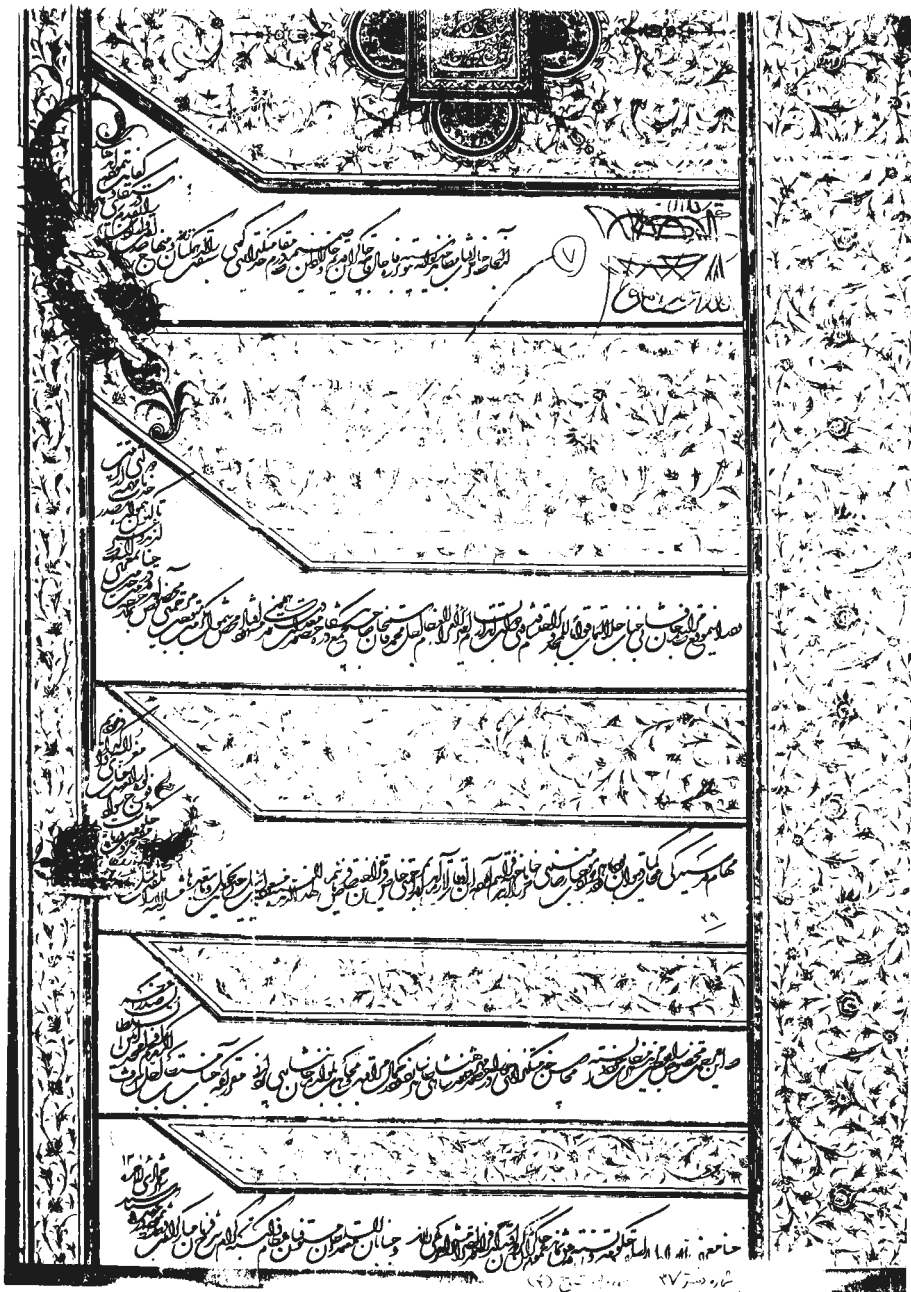
مضاربع ششگوشه که در آن یک ربع از ربع دیگر کافیه و در هر ربع از ربع دیگر کافیه و در هر ربع از ربع دیگر کافیه

[illegible]

۱۰۰  
 ۱۰۱  
 ۱۰۲  
 ۱۰۳  
 ۱۰۴  
 ۱۰۵  
 ۱۰۶  
 ۱۰۷  
 ۱۰۸  
 ۱۰۹  
 ۱۱۰  
 ۱۱۱  
 ۱۱۲  
 ۱۱۳  
 ۱۱۴  
 ۱۱۵  
 ۱۱۶  
 ۱۱۷  
 ۱۱۸  
 ۱۱۹  
 ۱۲۰  
 ۱۲۱  
 ۱۲۲  
 ۱۲۳  
 ۱۲۴  
 ۱۲۵  
 ۱۲۶  
 ۱۲۷  
 ۱۲۸  
 ۱۲۹  
 ۱۳۰  
 ۱۳۱  
 ۱۳۲  
 ۱۳۳  
 ۱۳۴  
 ۱۳۵  
 ۱۳۶  
 ۱۳۷  
 ۱۳۸  
 ۱۳۹  
 ۱۴۰  
 ۱۴۱  
 ۱۴۲  
 ۱۴۳  
 ۱۴۴  
 ۱۴۵  
 ۱۴۶  
 ۱۴۷  
 ۱۴۸  
 ۱۴۹  
 ۱۵۰  
 ۱۵۱  
 ۱۵۲  
 ۱۵۳  
 ۱۵۴  
 ۱۵۵  
 ۱۵۶  
 ۱۵۷  
 ۱۵۸  
 ۱۵۹  
 ۱۶۰  
 ۱۶۱  
 ۱۶۲  
 ۱۶۳  
 ۱۶۴  
 ۱۶۵  
 ۱۶۶  
 ۱۶۷  
 ۱۶۸  
 ۱۶۹  
 ۱۷۰  
 ۱۷۱  
 ۱۷۲  
 ۱۷۳  
 ۱۷۴  
 ۱۷۵  
 ۱۷۶  
 ۱۷۷  
 ۱۷۸  
 ۱۷۹  
 ۱۸۰  
 ۱۸۱  
 ۱۸۲  
 ۱۸۳  
 ۱۸۴  
 ۱۸۵  
 ۱۸۶  
 ۱۸۷  
 ۱۸۸  
 ۱۸۹  
 ۱۹۰  
 ۱۹۱  
 ۱۹۲  
 ۱۹۳  
 ۱۹۴  
 ۱۹۵  
 ۱۹۶  
 ۱۹۷  
 ۱۹۸  
 ۱۹۹  
 ۲۰۰  
 ۲۰۱  
 ۲۰۲  
 ۲۰۳  
 ۲۰۴  
 ۲۰۵  
 ۲۰۶  
 ۲۰۷  
 ۲۰۸  
 ۲۰۹  
 ۲۱۰  
 ۲۱۱  
 ۲۱۲  
 ۲۱۳  
 ۲۱۴  
 ۲۱۵  
 ۲۱۶  
 ۲۱۷  
 ۲۱۸  
 ۲۱۹  
 ۲۲۰  
 ۲۲۱  
 ۲۲۲  
 ۲۲۳  
 ۲۲۴  
 ۲۲۵  
 ۲۲۶  
 ۲۲۷  
 ۲۲۸  
 ۲۲۹  
 ۲۳۰  
 ۲۳۱  
 ۲۳۲  
 ۲۳۳  
 ۲۳۴  
 ۲۳۵  
 ۲۳۶  
 ۲۳۷  
 ۲۳۸  
 ۲۳۹  
 ۲۴۰  
 ۲۴۱  
 ۲۴۲  
 ۲۴۳  
 ۲۴۴  
 ۲۴۵  
 ۲۴۶  
 ۲۴۷  
 ۲۴۸  
 ۲۴۹  
 ۲۵۰  
 ۲۵۱  
 ۲۵۲  
 ۲۵۳  
 ۲۵۴  
 ۲۵۵  
 ۲۵۶  
 ۲۵۷  
 ۲۵۸  
 ۲۵۹  
 ۲۶۰  
 ۲۶۱  
 ۲۶۲  
 ۲۶۳  
 ۲۶۴  
 ۲۶۵  
 ۲۶۶  
 ۲۶۷  
 ۲۶۸  
 ۲۶۹  
 ۲۷۰  
 ۲۷۱  
 ۲۷۲  
 ۲۷۳  
 ۲۷۴  
 ۲۷۵  
 ۲۷۶  
 ۲۷۷  
 ۲۷۸  
 ۲۷۹  
 ۲۸۰  
 ۲۸۱  
 ۲۸۲  
 ۲۸۳  
 ۲۸۴  
 ۲۸۵  
 ۲۸۶  
 ۲۸۷  
 ۲۸۸  
 ۲۸۹  
 ۲۹۰  
 ۲۹۱  
 ۲۹۲  
 ۲۹۳  
 ۲۹۴  
 ۲۹۵  
 ۲۹۶  
 ۲۹۷  
 ۲۹۸  
 ۲۹۹  
 ۳۰۰  
 ۳۰۱  
 ۳۰۲  
 ۳۰۳  
 ۳۰۴  
 ۳۰۵  
 ۳۰۶  
 ۳۰۷  
 ۳۰۸  
 ۳۰۹  
 ۳۱۰  
 ۳۱۱  
 ۳۱۲  
 ۳۱۳  
 ۳۱۴  
 ۳۱۵  
 ۳۱۶  
 ۳۱۷  
 ۳۱۸  
 ۳۱۹  
 ۳۲۰  
 ۳۲۱  
 ۳۲۲  
 ۳۲۳  
 ۳۲۴  
 ۳۲۵  
 ۳۲۶  
 ۳۲۷  
 ۳۲۸  
 ۳۲۹  
 ۳۳۰  
 ۳۳۱  
 ۳۳۲  
 ۳۳۳  
 ۳۳۴  
 ۳۳۵  
 ۳۳۶  
 ۳۳۷  
 ۳۳۸  
 ۳۳۹  
 ۳۴۰  
 ۳۴۱  
 ۳۴۲  
 ۳۴۳  
 ۳۴۴  
 ۳۴۵  
 ۳۴۶  
 ۳۴۷  
 ۳۴۸  
 ۳۴۹  
 ۳۵۰  
 ۳۵۱  
 ۳۵۲  
 ۳۵۳  
 ۳۵۴  
 ۳۵۵  
 ۳۵۶  
 ۳۵۷  
 ۳۵۸  
 ۳۵۹  
 ۳۶۰  
 ۳۶۱  
 ۳۶۲  
 ۳۶۳  
 ۳۶۴  
 ۳۶۵  
 ۳۶۶  
 ۳۶۷  
 ۳۶۸  
 ۳۶۹  
 ۳۷۰  
 ۳۷۱  
 ۳۷۲  
 ۳۷۳  
 ۳۷۴  
 ۳۷۵  
 ۳۷۶  
 ۳۷۷  
 ۳۷۸  
 ۳۷۹  
 ۳۸۰  
 ۳۸۱  
 ۳۸۲  
 ۳۸۳  
 ۳۸۴  
 ۳۸۵  
 ۳۸۶  
 ۳۸۷  
 ۳۸۸  
 ۳۸۹  
 ۳۹۰  
 ۳۹۱  
 ۳۹۲  
 ۳۹۳  
 ۳۹۴  
 ۳۹۵  
 ۳۹۶  
 ۳۹۷  
 ۳۹۸  
 ۳۹۹  
 ۴۰۰  
 ۴۰۱  
 ۴۰۲  
 ۴۰۳  
 ۴۰۴  
 ۴۰۵  
 ۴۰۶  
 ۴۰۷  
 ۴۰۸  
 ۴۰۹  
 ۴۱۰  
 ۴۱۱  
 ۴۱۲  
 ۴۱۳  
 ۴۱۴  
 ۴۱۵  
 ۴۱۶  
 ۴۱۷  
 ۴۱۸  
 ۴۱۹  
 ۴۲۰  
 ۴۲۱  
 ۴۲۲  
 ۴۲۳  
 ۴۲۴  
 ۴۲۵  
 ۴۲۶  
 ۴۲۷  
 ۴۲۸  
 ۴۲۹  
 ۴۳۰  
 ۴۳۱  
 ۴۳۲  
 ۴۳۳  
 ۴۳۴  
 ۴۳۵  
 ۴۳۶  
 ۴۳۷  
 ۴۳۸  
 ۴۳۹  
 ۴۴۰  
 ۴۴۱  
 ۴۴۲  
 ۴۴۳  
 ۴۴۴  
 ۴۴۵  
 ۴۴۶  
 ۴۴۷  
 ۴۴۸  
 ۴۴۹  
 ۴۵۰  
 ۴۵۱  
 ۴۵۲  
 ۴۵۳  
 ۴۵۴  
 ۴۵۵  
 ۴۵۶  
 ۴۵۷  
 ۴۵۸  
 ۴۵۹  
 ۴۶۰  
 ۴۶۱  
 ۴۶۲  
 ۴۶۳  
 ۴۶۴  
 ۴۶۵  
 ۴۶۶  
 ۴۶۷  
 ۴۶۸  
 ۴۶۹  
 ۴۷۰  
 ۴۷۱

[illegible]

مکتبہ شریعہ اسلامیہ  
کتابت و تصانیف  
مکتبہ شریعہ اسلامیہ  
کتابت و تصانیف



لت  
لعمرا  
للهوا  
لصبر

[illegible]

حرفی .

[illegible]

عجب دلور لیسر - خور

[illegible]

امام محمد بن

[illegible][illegible]

۱۳۱۶

[illegible]



نفضل و غایت خداوند تعالی

# ماسلطان احمد شاه قاجار

شاهنشاهی ممالک ایران

نظر بپس خدمت و مراتب لیاقت که از فیض انبیا و امام معصومین قزاقان و معروض فناؤ



بمقتوی جناب شرف میرزا حسن خان وثوق الدوله رئیس الوزرا و مساعد جناب عبدالملک کفیل و

شارالیه را عطا نمودن شیر خورشید از درجه پنجم قرین قمار فرمودیم بتاریخ ۵ بج جدی قمری سن ۱۲۸۰  
بمشیت و سیصد

**Title:** A Selection of Decress Available in the National Library of Iran

**Publisher:** National Library of the Islamic Republic of Iran

**Circular:** 2000

**Printing:** 1st

**Litography:** Misaq

**Printing house:** Ekbatan

**Bindary:** Mehrdad

**Date:** 1997

**Price:** \$50.00

**N.L.I. Card Number:** M75-10667

# **A Selection of Decrees Available in the National Library of Iran**

**Supervised by:**  
**Mohammad Esma'il Rezvani**

**Prepared by:**  
**Huriyeh Sa'idi**

**Assisted by:**  
**Zahra Haddad      Mina Vedadi**

**National Library of the Islamic Republic of Iran**

**Tehran: 1997**